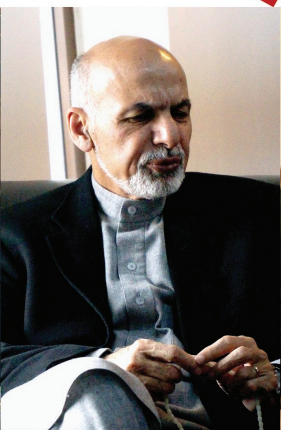




سفر به سرزمین

سستی

ویژه نامه افغانستان، فروردین ۱۳۹۳، ۴۸ صفحه

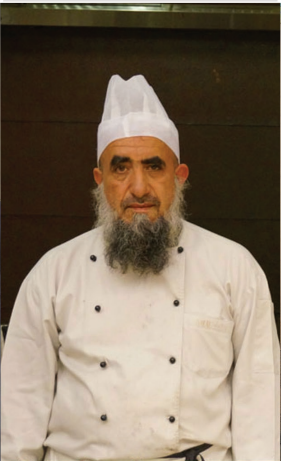


* گزارش ها و گفتگوها:

سارا معصومی

* عکس:

رضا عسگری



دیپلماسی ایرانی: سفر به سرزمین ستیز در واپسین روزهای سال یکهزار و سیصد و نود و دو ممکن شد. سفر به خاک همسایه ای که اشتراک های فرهنگی، دینی و روابط پررنگ اقتصادی و سیاسی آن با ایران، آن را به سرزمینی نه چندان دور و ناآشنا تبدیل کرده است. نام این سفرنامه مصداق واقعیت هایی ست که در سفر ۴ روزه به کابل، لمس آنها از نزدیک ممکن شد.

هرچند پایتخت را دیدن و از پایتخت نوشتن در حالی که هنوز شهرهایی از افغانستان هستند که بیش از کابل با جنگی مداوم در ستیز هستند، افتخاری برای یک روزنامه نگار نیست اما آنچه در این سفرنامه مختصر می خوانید تنها تلاشی برای نگاهی به افغانستان پیش از روزهای انتخاباتی است که می رود سرنوشتی جدید را برای مردم آن رقم زند و جامعه ای که تحولی سیاسی و اجتماعی در دوران گذار را تجربه می کند و می خواهد متفاوت از گذشته بیاندیشد و رفتار کند.

سرزمین ستیز خواندمش که جز ستیز در این خاک ندیدم. ستیزی که تنها انتخاب مردم این دیار برای ماندن بود. ستیز با قدرت طلبی های بیگانگان، ستیز با زیاده خواهی های همسایگان، ستیز با تاریخی که سه دهه اخیر آن به خون و خشونت و انتقام گذشت، ستیز با هم وطنانی که تندروری را مشی خود می دانند، ستیز با سلاح در دستانی که به صندوق رای اعتقادی ندارند، ستیز با سیاستمدارانی که به سهم خود راضی نیستند. ستیز با مردانی که هنوز زن را نه برابر و دوشادوش با خود که نشسته در انبار خانه می خواهند، ستیز با سنت هایی که به اسم دین و نه بر پایه دین بر مردم تحمیل شد، ستیز با بیگانگانی که افغانستان را نشناخته برای آن نسخه دموکراسی می پیچند.

ستیز با همسایگانی که نان خود را در نا امن کردن افغانستان می جویند. ستیز با نگاه های قومی که اتحاد آرای مخالف را بی معنا می داند،

ستیز با فسادى که تار و پود اقتصاد بيمار افغانستان را اسير خود کرده است، ستیز با ترس از طالبان و ستیز با بيم از رد جوهر بر انگشتی که می تواند به جرم شرکت در انتخابات قطع شود. در این سفرنامه از تقلاى زنان نوشته ام برای نفس کشیدن در سرزمین سنتی مردان. از دیوارهایی گفته ام که مصداق فاصله ایست پرنشده میان دولت و ملت.

با حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان گفتگویی داشتیم، مردی که می رود تا قدرت را پس از دو دوره به مردی که متفاوت از او می اندیشد، تحویل دهد.

با سه کاندیدی که بیشترین شانس پیروزی در انتخابات را داشتند به گفتگو نشستیم و برنامه های آتی آنها برای زنان، اقتصاد بيمار، حضور نظامی امریکا، رابطه با کشورهای همسایه، چشم انداز فرصت های همکاری با ایران و مذاکرات صلح با طالبان را جویا شدیم.

حضور در میان تحریریه و شورای سیاست گذاری آژانس خبری پژواک هم فرصت گپ و گفتگوی کوتاهی بود با همکارانی که می خواهند سرنوشت وطن را با قلم و نه در میدان جنگ رقم بزنند.

در گفتگو با خانم شکرپه بارکزی، نماینده کابل در مجلس افغانستان هم از حقوق زنانی سخن گفتیم که از یک دهه پیش تاکنون بیرون آمدن از دالان های سیاه مجرم خوانده شدن را تجربه می کنند. مجال برای سخن گفتن از افغانستان کوتاه بود و میل به نوشتن بسیار. همزمان با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در این کشور برای مردم افغانستان روزهایی بهتر در سایه دولتی کارآمد و اراده ای ملی برای برقراری صلح و آرامش را آرزو می کنیم. باشد که آرامش در افغانستان مولود برقراری امنیت و صلح در منطقه باشد.

سارا معصومی

سردبیر سایت دیپلماسی ایرانی

حامد کرزی:

رفتار آمریکا با ایران در افغانستان هوشیارانه بود

زنگ ها برای حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان به صدا درآمده است. مردی که پس از حمله طالبان به ایالات متحده بر سکوی قدرت در کشورش تکیه داده است، خود را برای نخستین انتقال دموکراتیک قدرت در وطن مهیا می کند.

امروز مردم افغانستان با حضور در پای صندوق های رای می روند تا فرد دیگری را به مدت ۶ سال راهی ارگ ریاست جمهوری کنند. خاطره آخرین انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان به سال ۲۰۰۹ میلادی بازمی گردد. زمانی که نه تنها حملات طالبان و تهدید آنها به قطع انگشتان کسانی که جوهر شرکت در انتخابات را بر دست دارند مردم را ترسانده بود بلکه ادعای اصلی ترین رقیب کرزی در انتخابات یعنی دکتر عبدالله عبدالله هم بر تردید عده ای در خصوص سلامت انتخابات فوق افزود.

هرچند دکتر عبدالله در گفتگوی اختصاصی با دیپلماسی ایرانی تاکید می کند که قدرت های خارجی دخالت مستقیمی بر نتیجه انتخابات ۲۰۰۹ نداشته اند اما حامد کرزی تاکید دارد که دخالت آنها محرز و آشکار بوده است. در این دور از انتخابات دیگر حامد کرزی رقیب دکتر عبدالله نیست و به نظر می رسد که عبدالله هم مانند دور قبل در صورت احساس تقلب در انتخابات تنها به انصراف تن نخواهد داد.

کرزی در حالی ارگ ریاست جمهوری را ترک می کند که مردم افغانستان احساسات دوگانه ای نسبت به او دارند. برخی با وجود اعتراف به کم کاری های کرزی در برخی حوزه ها، اعتقاد دارند که او در سخت ترین روزهای سیاسی و امنیتی افغانستان به ارگ رفته و هرآنچه در چنته داشته را هزینه کرده است.

با اینهمه منتقدان تند و تیز آقای رئیس جمهور او را رهبری می دانند که دو دهه با استراتژی های غرب و امریکا در افغانستان ساخت و تنها در چند سال اخیر بود که صدای اعتراض به این زیاده خواهی ها بلند شد. اما شخص حامد کرزی در گفتگو با دیپلماسی ایرانی که در دفتر کار او در کابل انجام شد، سرسختانه تاکید می کند که اختلاف ها با امریکا از دو سال پس از حمله به افغانستان در پشت درهای بسته آغاز شده و تنها در چند سال اخیر علنی شده است.

او که احتمال امضای توافقنامه امنیتی با امریکا را با دستن خود صفر می داند، تاکید می کند که رئیس جمهور آتی از چالش های کمتری چه در حوزه سیاست خارجی و چه داخلی برخوردار است. متن گفتگو با وی که در واپسین روزهای سال ۱۳۹۲ انجام شد، به شرح زیر است :

شما پس از دو دهه حضور در قدرت در حال واگذاری آن به شکل دموکراتیک هستید. ۲ مساله پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از چالشی منطقه ای به دغدغه ای بین المللی تبدیل شد که یکی مساله رواج افراط گرایی بود و دیگری هم صلح با طالبان. به نظر می رسد که در این ده سال برای هیچ کدام از این دردها نسخه چشمگیری پیچیده نشد. شما طالبان را بازگیری مستقل برای مذاکره می دانید یا خیر؟ در نگاهی کلان تر چه جایگاهی برای این گروه در امروز افغانستان قایل هستید؟

پیش از آنکه به بخش اصلی سوال شما پاسخ دهم باید به نکته ای که در صحبت های شما در خصوص افراط گرایی بود، اشاره کنم. مساله افراط گرایی و تهدید این پدیده یکی از مباحث مهم امروز جهان اسلام و مسلمانان جهان است. به نظر من و با توجه به تجربه ای که دارم افراط گرایی نه زاییده اسلام و یا محیط اسلامی است و نه زاییده سیاست های مسلمانان.

تا جایی که تجربه من در حوزه جهاد افغانستانی می گوید، افراط گرایی زاده استراتژی غرب است که می خواست در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق از ابزار دین استفاده کند. این غربی ها بودند که از این مساله به عنوان یک ابزار استفاده کردند اما صدمه آن را جهان اسلام و مسلمانان می بینند.

اما در خصوص طالبان باید بگویم که طالب هایی که از خاک افغانستان هستند و طالب هایی که ابزار سیاست های دیگران در افغانستان نیستند، از نظر من قابل مذاکره هستند. این افراد به عنوان یک فرد و نه به عنوان یک مجموعه همیشه حاضر به مذاکره هستند و تاکنون ما با این افراد مذاکره ای هم داشته ایم. اما طالبان به عنوان یک گروه ، تحت تاثیر قدرت هایی خارج از افغانستان هستند و به همین دلیل هم مذاکرات رسمی و نتیجه بخش بدون همکاری قدرت های بیرونی و به عبارت واضح تر امریکا و پاکستان با آنها ممکن نیست.

مطالبه های طالبان گاه با مانورهای آنها همخوانی ندارد. گاهی ما شاهد آمادگی آنها برای مذاکره هستیم و این در حالی است که این گروه دایما تاکید می کند که ما نه قانون اساسی افغانستان را قبول داریم و نه روند انتخابات را تایید می کنند. در این شرایط آیا طالبان از نظر شما می تواند به بدنه سیاسی افغانستان ، جذب شود؟

بله. اگر طالبان را از قیدهایی که در حال حاضر در چارچوب

در این خصوص تلاش هایی کرده اند اما ما در برابر آن مقاومت کردیم. ما یک افغانستان واحد می خواهیم. افغانستانی که در آن اراده مردم حاکم و حاکمیت قانون اساسی هم برقرار باشد. اگر مردم افغانستان به هر فرد یا جریانی رای دهند، آنها حق مسلم حضور در قدرت را خواهند داشت. اما با تقسیم قدرت در افغانستان در معامله ای خارج از خاک خود و برای رسیدن به اهداف پنهان و اشکار قدرت های خارجی مخالف هستیم.

دلایل مخالفت شما با امضای پیمان نامه امنیتی میان کابل - آمریکا چیست؟

اعتراض ما به آمریکا به دو یا سه سال

اخیر محدود نمی شود. اختلاف میان

ما و آمریکا از ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ آغاز شد

اما این اختلاف پشت درهای بسته ماند

و در ملامع نبود.

دلایل من بسیار واضح و مشخص است. هدف ما از دادن پایگاه به آمریکا در افغانستان، ایجاد صلح برای این کشور و مردم آن است. این مساله برای من قابل پذیرش نیست که حضور نظامی آمریکا در افغانستان برای ده سال آینده را امضا کنم و از طرف دیگر مردم افغانستان همچنان در ناامنی زندگی کنند.

اگر آمریکا به دنبال حضور نظامی در افغانستان است این کشور هم باید منفعت این حضور را احساس کند. این منفعت هم برای مردم افغانستان چیزی نیست جز صلح و زندگی در امنیت. بنابراین ما در شرایطی پایگاه نظامی به آمریکا می دهیم که برقراری صلح تضمین شده باشد.

آن زندگی و فعالیت می کنند، آزاد کنیم و آنها را پای میز مذاکره بنشانیم می توانیم شاهد برگزاری مذاکرات صلح و شکل گیری تحرکی جدی در افغانستان باشیم. اما طالبان پیش از ورود به این مرحله و قبل از اینکه به عنوان یک عامل سیاسی وارد گردونه سیاست در افغانستان شوند، باید از طریق مذاکره و تشویق آمریکا و پاکستان، به استقلال سیاسی برسند.

آیا تفکر طالبان در افغانستان امروز جایگاهی دارد؟ اگر روزی طالبان فردی را به عنوان نماینده خود در انتخابات افغانستان اعلام کند، این فرد از توانایی جذب رای برخوردار است؟

اگر تنها فرد را در نظر بگیریم بله. در حال حاضر هم ما در پارلمان چهره هایی را داریم که زمانی با طالبان بوده اند و با شرکت در انتخابات موفق شده اند به پارلمان راه یابند. بنابراین یک فرد از این گروه ممکن است رای بیاورد اما اگر بخواهیم آنها را به عنوان یک گروه و یک جریان در نظر بگیریم، جامعه با برخی از تفکرات آنها مشکل دارد و طالبان هم این واقعیت را می دانند.

طالبان از دشمن قابل جنگ آمریکا در ۲۰۰۱ به دشمن قابل مذاکره این کشور در ۲۰۱۴ تبدیل شده است. به نظر شما چرا آمریکا بدون حضور رسمی دولت مرکزی در افغانستان روند مذاکره با طالبان را آغاز کرد؟ آمریکا برای طالبان پس از ۲۰۱۴ چه برنامه ای دارد؟ آمریکایی ها به نام جنگ با طالبان به افغانستان آمدند اما هرگز به مکانی که محل تعلیم و تربیت طالبان و پناهگاه این گروه بود، حمله ای نکردند. آمریکایی ها به خانه های مردم افغانستان حمله کردند و بر سر آنها بمب ریختند. همین مساله منجر به تنش شدید میان ما با واشنگتن شد. آمریکایی ها در سال ۲۰۱۳ به ما اعلام کردند که دیگر طالبان را دشمن خود نمی دانند و پس از ۲۰۱۴ هم با طالبان در جنگ نخواهند بود. با در نظر گرفتن این سه مورد باید بگوییم که یا این جنگ از ابتدا برای مقابله با طالبان نبوده است و یا با در نظر گرفتن برخی مراحل از پیش تنظیم شده بود. اما من برای پاسخ به این سوال که آمریکا چه هدفی را از این حرکت دنبال کرده است، پاسخی ندارم. حقیقت این است که امروز آمریکا طالبان را دشمن خود نمی داند.

آیا آمریکایی ها روزی حاضر به تقسیم قدرت در افغانستان با طالبان خواهند بود؟

آیا افغانستان بدون حضور نظامی امریکا از عهده تامین امنیت خود برمی آید؟

کاملاً. افغانستان کشوری با قدمت است که مردم آن، سالها برای حفظ خاک خود قربانی داده اند و همین امروز هم هزاران نفر از جوانان ما برای حفظ این آب و خاک جان خود را از دست می دهند. بنابراین در پاسخ به سوال شما باید بگویم که بله ما قادر به حفظ خاک خود و مرزهای خود هستیم. البته اگر کشورهای منطقه با هم همنوا و هم گرا بودند، این کار آسان تر می شد.

اگر در پاکستان حکومتی روی کار بود که از دید دوستی و برادری و زندگی متمدن و مسالمت آمیز با ما همکاری می کردند، قطعاً ما به مشکلاتی که امروز با آن دست و پنجه نرم می کنیم، گرفتار نبودیم. پس اگر منطقه و همسایگان ما بر اساس اصولی که در آن امنیت و منفعت همگان تضمین شده باشد با ما به توافق برسند، ما به هیچ کمک خارجی در داخل افغانستان نیاز نخواهیم داشت.

در غیراینصورت طبیعتاً ضرورت هایی وجود دارد اما حقیقت این است که افغانستان باید بتواند مسئولیت حفظ خاک خود را بر عهده گرفته و خانه خود را از گزند دور نگاه دارد.

نقش کمک های مالی خارجی در تامین مالی افغانستان به چه شکل است؟ به عنوان مثال در سال ۲۰۱۳، درآمد افغانستان اندکی بیش از ۱ میلیارد دلار بوده است و این در حالی است که شما به سالانه ۴ میلیارد دلار برای مصارف داخلی نیاز دارید. آیا این انتظار معقول است که امریکایی ها و دیگر کشورهای عضو ناتو، حضور نظامی خود را کاهش داده اما میزان کمک های مالی ثابت و یا حتی افزایش پیدا کند؟

ما از کمک های مالی بین المللی چه کشورهای غربی و چه کشورهای منطقه ای و همسایه خودمان مانند ایران که به مردم افغانستان کمک کرده اند، تشکر می کنیم. این کمک ها به خیر مردم افغانستان بوده و منجر به بهبود زندگی مردم این کشور هم شده است. اما در این میان کمک هایی هم از جانب غربی ها شده است که مردم افغانستان از آن نفعی ندیده اند.

پول هایی به نام افغانستان مطرح شده بوده اما هرگز به دست ما نرسیده است. همین جا باید تاکید کنم که ما از کمک های جامعه بین المللی بخصوص کشورهای غربی تشکر می کنیم و خواستار ادامه این روند هستیم. هرمیزان از این کمک ها که به افغانستان رسیده و مورد استفاده صحیح قرار گیرد، به خیر ما خواهد بود.

اما حقیقت این است که در نهایت ما افغان ها باید زندگی خود را بر اساس توانایی های خود پیش ببریم و از دستاورد خویش استفاده کنیم. بنابراین در نهایت افغان ها باید از جیب خود خرج کنند.

بسیاری از منتقدان شما اعتقاد دارند که حامد کرزی دو دهه همکاری های استراتژیک و بسیار نزدیک با ایالات متحده داشت و ناگهان در دو یا سه سال اخیر صدای اعتراض به سیاست های امریکا از جانب دولت مرکزی بلند شد. تا چه اندازه با این تعبیر موافق هستید؟

اعتراض ما به امریکا به دو یا سه سال اخیر محدود نمی شود. اختلاف میان ما و امریکا از ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ آغاز شد اما این اختلاف پشت درهای بسته ماند و در ملاعام نبود. ما در پشت درهای بسته و به دور از رسانه ها اختلاف های خود را با امریکا داشته و با بیان دیدگاه های خود، انتقادهایی هم به روش های آنها داشتیم.

این اختلاف از سال ۲۰۰۷ به شکل علنی و آشکار در رسانه ها دیده شد. پس از بمباران انجام گرفته در هرات که تعداد بسیار زیادی از شهروندان غیرنظامی ما از جمله زنان و کودکان بسیار در آن حادثه شهید شدند، صدای اعتراض ما به امریکایی ها بسیار بلند شد.

صلی ترین دلیل اختلاف هم در همین کشته شدن شهروندان غیرنظامی در افغانستان بود. دومین دلیل هم به نحوه کمک های امریکا به افغانستان و ایجاد یک حکومت موازی با دولت افغانستان باز می گشت. مهم ترین مصداق این مساله هم تاسیس شرکت های خصوصی امنیتی بود. نحوه برخورد سیاسی امریکا با افغانستان که در حقیقت یک تقابل با دولت بود و نه همکاری، منجر به اختلاف بین کابل و واشنگتن شد.

آنچه که ما امروز از امریکا برای تامین امنیت و منفعت افغانستان می خواهیم همان مطالبه ای است که از سالها پیش و در پشت درهای بسته از این کشور داشته ایم اما برای بیان آن از کانال های دیپلماتیک و سیاسی استفاده می کردیم. در نهایت به دلیل عدم مفید بودن آن راهکار بود که مجبور به علنی شدن این اختلاف ها شدیم. به بیان دیگر چون به درد آمد، به تنگ آمد.

شما در صحبت های خود، چندجا به نقش مثبت و منفی که پاکستان می تواند در مهار جریان افراط و طالبان بازی کند، اشاره کردید. آیا امکان دارد که اسلام آباد با دولت آتی برای مبارزه با این جریان



© Photo: Reza Asgari

همکاری کند؟ در نگاه کلان تر آیا امکان رسیدن به امنیت و آرامش در افغانستان بدون کمک پاکستان وجود دارد؟

اگر پاکستان در این مسیر به ما کمکی نکند، طبیعتاً اوضاع افغانستان هم بهبود نخواهد یافت. اما مساله اینجاست که امروز پاکستان هم از جریان افراط رنج می برد. مردم پاکستان دوست و عزیز مردم افغانستان هستند و در زمان بحران از مهاجران ما به خوبی پذیرایی کردند و به همین دلیل ما از مردم پاکستان متشکر هستیم. اما حکومت در پاکستان از سه دهه پیش تا به امروز به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم در حمایت از جریان افراط دست داشته است و متأسفانه ضرر این جریان افراط و وحشت از آن، دامن جامعه پاکستان را هم گرفته است. پاکستان هر روز در عملیات هایی که افراطیون آنها را هدایت می کنند، تعدادی از مردم خود را از دست می دهد. ما نشانه هایی دریافت کرده ایم که در داخل حکومت پاکستان هم بحث های بسیاری در خصوص مهار این جریان در حال شکل گیری است.

در مطالعات امنیت داخلی که وزارت اطلاعات پاکستان انجام داده است اشاره مستقیم به این مساله شده است که ناامنی های پاکستان و افزایش روند تروریسم و جریان افراط در این کشور ناشی از سیاست نادرست اسلام آباد در مقابل افغانستان و هندوستان بوده است.

امیدوار هستیم که دولت پاکستان با درک این حقیقت تلخ، راهی را در پیش بگیرد که باعث زندگی امن در افغانستان و پاکستان و در حقیقت ایران، پاکستان و افغانستان شود. ایران هم از ناامنی در مرزهای خود با پاکستان رنج می برد و ما به دنبال اصلاح این مساله هستیم.

در دو دوره حضور شما در ارگ ریاست جمهوری، فرصت ها و چالش های رابطه کابل با تهران چگونه بود؟ آیا دو کشور از حداکثر توان خود برای بهبود رابطه دوجانبه استفاده کردند؟

هیچ زمانی در تاریخ مکتوب میان دو کشور رابطه ما مانند ۱۲ سال گذشته عمیق و پرجنب و جوش و پرفت و آمد نبوده است. رابطه ما با تهران عالی بود. ایران درک درستی از واقعیت های جاری در افغانستان داشت. آمریکا در تقابل با ایران قرار داشت و ایران هم در تقابل با آمریکا. ایران با درک

این مساله رابطه خود را با کابل جدای از معامله های میان افغانستان با آمریکا نگاه داشت. در این سالها ایران رابطه مستقیم و بسیار خوبی با ما داشت. افغانستان هم در این خصوص کوشش های بسیاری کرد. ما در همام ابتدای کار به صراحت به آمریکایی ها اعلام کردیم که ایران همسایه؛ هم زبان؛ هم فرهنگ و هم دین ما است.

مشترکات ما با ایران بسیار زیاد است و در حقیقت این دو کشور مانند یک همخانه با هم هستند و آمریکا نمی تواند و نباید از ما درخواستی در خصوص کاهش رابطه با ایران داشته باشد. آمریکا هم در این خصوص با هوشیاری برخورد کرد. ایران هم با درک این موضوع باعث شد تا رابطه میان تهران - کابل بسیار عمیق و گسترده شود.



© Photo: Reza Asgari

در حال حاضر هم کار بر روی تهیه و تدوین این توافقنامه آغاز شده است و از طرف دولت ما افرادی منصوب شده اند که در گفتگو با سفیر محترم ایران در افغانستان، این توافقنامه را به نتیجه برسانند.

امروز شاهد برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان و نخستین دست به دست شدن دموکراتیک قدرت در این کشور هستیم. در خصوص انتخابات سال ۲۰۰۹ میلادی و ادعای تقلبی که مطرح شود برخی از دخالت های خارجی سخن گفتند. برای مهار آنچه که دخالت های قدرت های خارجی نامیده شد در این دور از انتخابات چه برنامه ای دارید؟ در انتخابات ۲۰۰۹ ما شاهد دخالت های بسیار پررنگ و واضح آمریکا و برخی قدرت های غربی بودیم. با توجه به تجربه تلخی که در این خصوص داریم تمام تلاش خود را برای ممانعت از چنین دخالتی به کار خواهیم گرفت. امیدوار هستیم که انتخابات شفاف و مورد تایید مردم افغانستان باشد.

شما در سخت ترین سالهای افغانستان سکان ریاست جمهوری این کشور را در دست داشتید. چالش هایی که همچنان رئیس جمهور آتی با آن دست و پنجه نرم خواهد کرد، به چه مسائلی محدود خواهد شد؟

آیا توافقنامه همکاری با ایران را پیش از اتمام دوران ریاست جمهوری خود امضا خواهید کرد؟ آیا ارتباطی میان این توافقنامه همکاری با تهران و پیمان نامه امنیتی کابل - واشنگتن وجود دارد؟

طبیعتاً ارتباطی وجود دارد و به همین دلیل بود که ایران خواستار امضای این توافقنامه شد تا پیمان نامه امنیتی که با آمریکا امضا می کنیم خطری و تهدیدی برای تهران نباشد. ایران در این خصوص محق است و هر کشوری حق دارد که اثرات منفی سایر پیمان نامه های همسایگان بر خود را به حداقل برساند.

افغانستان هم این حقیقت را درک می کند که صدور مجوز برای وجود پایگاه های نظامی آمریکا در افغانستان می تواند اثراتی بر کشورهای همسایه ما بگذارد. این تاثیرگذاری هم تنها بر ایران نیست اما به دلیل مشکلاتی که میان ایران و آمریکا وجود دارد، تهران حق حصول این اطمینان را دارد که حضور آمریکا در افغانستان برای تهران مشکل زا نخواهد شد.

بر همین اساس بود که من در دیدار با آقای روحانی، رئیس جمهور محترم ایران در سفر اخیرم که به تهران داشتم موافقت خود را با امضای توافقنامه همکاری های عمیق استراتژیک میان دو کشور اعلام کردم. چه پیمان نامه امنیتی با آمریکا امضا شود و چه نشود، امضای این توافقنامه با تهران به نفع هر دو کشور است.

از فرد خاصی در این انتخابات حمایت نمی

کنید؟

از هیچ کس و نباید هم حمایت کنم.

اگر به عقب بازگردیم با توجه به تجربه ای که امروز دارید چه اصلاحاتی در حوزه سیاست خارجی بخصوص در مورد رابطه با کشورهای منطقه در قیاس رابطه با کشورهای غربی و امریکا است که انجام خواهید داد؟

من در سیاست خارجی افغانستان بسیار موفق بودم. ما توانستیم تعادل را در حوزه سیاست خارجی به خوبی عملی کنیم. رابطه بسیار خوبی با امریکایی داشتیم که در کشور ما سرباز داشت و همزمان رابطه بسیار خوبی با ایران، روسیه و چین داشتیم. ما اجازه ندادیم که افغانستان به محل تقابل قدرت ها تبدیل شود.

بنابراین من فکر می کنم که در حوزه سیاست خارجی به بهترین شکل عمل کردیم. در این ۱۲ سال به گمان من ۱۰ تا ۱۵ بار به ایران سفر کرده ام و مقام های ایرانی هم به افغانستان سفر کرده اند از جمله روسای جمهور پیشین شما هم آقای خاتمی و هم آقای احمدی نژاد به افغانستان سفر کرده اند و آقای روحانی هم در مراسم نوروز در افغانستان حضور داشتند. البته در برخی حوزه های دیگر در سیاست خارجی اگر مرور مجددی داشته باشیم شاید به این نتیجه برسیم که مثلا ارتباط کمتر با فلان کشور بهتر هم بود.

پس از پایان رسمی دوران ریاست جمهوری خود در عالم سیاست می مانید؟

به عنوان یک شهروند عادی افغانستان در مسایل کشور شریک خواهم بود و اگر رئیس جمهور آتی افغانستان از من مشورت بخواهد، به وی کمک خواهم کرد و تجربیات خود را با او در میان خواهم گذاشت. من در خدمت افغانستان و حکومت آینده این کشور خواهم بود.

اگر روزی احساس کنید که افغانستان به حضور مجدد حامد کرزی نیاز دارد، امکان این بازگشت وجود خواهد داشت؟

خیر. بر اساس قانون اساسی افغانستان یک فرد تنها دو دوره می تواند رئیس جمهور باشد و دوره سوم ممکن نیست و البته ضرورتی هم ندارد.

من خدمت خود را در حد توان من در ۱۲ سال گذشته به افغانستان کرده ام و بهتر است که نسل جدید و چهره های جوان تر و با انرژی تر روی صحنه باشند و ما پشت صحنه به خدمت ادامه دهیم.

مشکلات رئیس جمهور آتی از مشکلاتی که من در این ۱۰ سال داشتم، کمتر خواهد بود. ۱۲ سال پیش ما همه چیز را از هیچ آغاز کردیم. از حکومت، قانون اساسی، نهادهای احیا شده و افراد کارآمد شناسایی شده هیچ خبری نبود.

در آن زمان ما هیچ منبع و ذخیره مالی هم نداشتیم. امروز در این خصوص وضع ما بسیار بهتر است.

از ۱۸۰ میلیون دلاری که خزانه افغانستان در سال ۲۰۰۲ داشت به ۷ میلیارد دلار در ۲۰۱۴ رسیده ایم. درآمد سالانه مردم افغانستان از ۱۵۰ دلار به بالاتر از ۷۰۰ دلار رسیده است.

مساله تعلیم و تربیت کودکان افغان رشد چشمگیری داشته و امروز با آمار بالاتری از قشر تحصیل کرده در افغانستان روبه رو هستیم. رئیس جمهور آینده افغانستان که بی شک در مسیر تقویت این کشور به سمت جلو حرکت خواهد کرد با مشکلات کمتری روبه رو خواهد شد و البته مشکلات همگی از میان نرفته است و امیدواریم که مشکلاتی چون تروریسم، افراط گرایی و ناامنی و رابطه با پاکستان هم حل شود.

یکی از اصلی ترین انتقادهای وارده بر ساختار سیاسی افغانستان امروز وجود درصد بالای فساد مالی است. برای مهار این بحران در ۱۲ سال حضور خود در قدرت چه کردید؟

فساد مالی همواره یک مشکل جدی در افغانستان بوده است. فساد از دو ناحیه مشکل زا شده است. یکی فساد اداری است که در هر کشوری وجود دارد و باعث نگرانی و تشویش است اما نمی تواند مانع اصلی پیشرفت باشد که به هر حال باید برای رفع آن تلاش کرد. اما فساد بزرگ تر از ناحیه کمک های خارجی در افغانستان بوده است.

چگونگی سپردن قراردادهای به مردم و چگونگی کمک رسانی به افغانستان خود سوال های بزرگی را ایجاد کرده است. پولی که به اسم افغانستان بود در مسیر رسیدن به این کشور جای دیگری هزینه شد و همین مساله مولود فساد شد. بنابراین فساد خارجی منبع بزرگ تری به نسبت فساد داخلی بوده است.

آیا افغانستان از ثبات سیاسی کافی برخوردار است تا رئیس جمهور آتی که قدرت را از شما تحویل می گیرد بتواند در سایه آن به ثبات اقتصادی و ارتقای امنیت کشور فکر کند؟

کاملا از این ثبات سیاسی برخوردار هستیم.

تقلای «زن» بودن در سرزمین سنتی مردان



خ

جدال زنانه در سایه حضور پررنگ مردانه

با به خاک کابل که می گذاری حضور زنان کارمند در کنار مردان در گیت های متفاوت بازرسی اندکی از باورت در خصوص افغانستان امروز را درهم می شکنند. زنانی که استخدام شده اند تا به جای مردان کار تجسس از هم جنس های خود را انجام دهند. زنانی که نه صورت خود را پوشانده اند و نه چادری بر سر دارند. کت های کوتاه بر روی شلوارهای خاکی رنگ که ترکیب آن با نگاه های جستجوگرانه شان به تو و طرز لباس پوشیدن ت، استقبال خوش آب و رنگی را قلم می زند. عبور از گیت های امنیتی و تماشای زنان کارمند در بدو ورود این باور خوش را به تو می دهد که فرودگاه کابل به سکویی برای ایستادن هرچند ظاهری زنان و مردان در کنار هم بدل شده است.

نخستین ساعات گشت زنی در کابل بی آنکه نگاهت به مساله زنان، پررنگ تر از نگاهی کلان به وضعیت مردم باشد، می گذرد. انگار حسی در هواست که می گوید اینجا در کابل جنگ زده و به جامانده از تاراج ها، سرنوشتی مشابه بر مردم چه از جنس تو باشند و چه مردانی با نگاه های ناخوانا تحمیل شده است. گویا کابل کشتی است که سرنوشت مرد ایستاده بر عرشه آن چندان با زن نشسته در اتاقکی در کنج چندان تفاوتی ندارد.

ظاهر شهر هم ترکیبی است از زنانی که پوشش های متفاوت را برای خود انتخاب کرده اند: از ماتو و روسری تا چادری و چند دختر جوان که دامن و پیراهن کوتاه را انتخاب کرده اند. نخستین تصویر از زنان بدون حجاب را بر روی شیشه های یک آرایشگاه می بینم. تصویری از زنانی با آرایش های غلیظ و لباس عروس هایی که نیمی از پالاتنه آنها را عیان کرده است. هیچ کدام از زنان بزک کرده در تصویر افغانی به نظر نمی رسند و گویا برای تبلیغ تقویت زیبایی زنانه هم استفاده از زنان دیگر کشورها مجاز است و نه زن افغان! در چند روز حضور در کابل در محله های متفاوت چندین آرایشگاه زنانه با همین سبک و سیاق از تزئین های ظاهری را می بینم.

مردان راننده و زنان مسافر. دم دست ترین نشانه عدم حضور پررنگ و چشمگیر زنان در کابل شاید همین هیبت های مردانه ی دست به فرمان نشسته در کابل است.

در طول چهار روز حضور در کابل با وجود آنکه چندین ساعت از روز به تکیه دادن به صندلی ماشین و گشت زنی در محله های متفاوت در کابل گذشت اما من هیچ زنی را پشت فرمان اتومبیل ندیدم. اصغر، راننده ای که در این چند روز محله های متفاوت کابل را به ما نشان داد اشاره می کند که چند مورد معدود از رانندگی زنان در کابل را دیده اما این موارد چندان قابل ذکر و قابل شمارش نبوده است.

گویا رانندگی هنوز در افغانستان شغلی مردانه محسوب می شود. مردانی که هم فرمان زندگی زنان را به عنوان جنس دوم در اختیار دارند و هم در حالی که دستان خود را بر روی بوق فرمان ماشین هایشان می گذارند بعضا دزدکی نگاهی هم به زنان عابر در پیاده رو و خیابان ها می اندازند.

طره زنانی چادری پوش در پس زمینه ذهن ت می رقصد وقتی پا به شهر باغ های رنگارنگ می گذاری. کاستن از ارتفاع هواپیما یعنی نگاهی از بالا اما نزدیک تر به کابل. ساعات انتظار برای رسیدن، به تماشای زنان افغان در سالن انتظار فرودگاه و ردیف های در دسترس در هواپیما می گذرد. زنانی با پوشش های متفاوت. برخی به سبک زنان ایرانی ماتو بر تن کرده و روسری بر سر دارند که نیمی از موها را پوشانده و مابقی را نه چندان مرتب و بزک کرده، رها کرده است.

معدودی به مدد ماتوهای بلند تا سابق پا را پوشانده و صورت خود را با پارچه ای تیره پوشانده اند و البته دو چشمان خمار افغانی از قاعده این حصار بیرون مانده اند. برخی نیز خاطره عکس ها را برایت زنده می کنند: چادری به رنگ آبی که درست مانند عبایی گشاد تمام تن آنها را از فرق سر تا نوک پا در برگرفته و توری آبی رنگ صورتشان را هم از تیررس نگاه در امان نگاه داشته است.

از این زنان تصویر گنگی در ذهن می رقصد: چندماه پس از حمله نیروهای آمریکایی به افغانستان بود که برای نخستین بار تصاویر این زنان به سوژه نابی برای عکاسان تبدیل شد. زنانی که گفته می شد به جبر حکومت طالبان وادار به انتخاب این نوع پوشش شده اند. حالا اما در هواپیمای ایرانی «آسمان» به مقصد کابل ظاهرا از جبر طالبانی خبری نیست اما چادری آبی همچنان ساکت و خاموش بر سر چندین زن جا خوش کرده است.

با خود فکر می کنی که این زنان آبی پوش به طایفه ای یا خانواده ای از ایالت هایی تعلق دارند که هنوز ترس از طالبان آنها را در بند خود نگاه داشته است. تفکری که در روزهای آتی با خیره شدن به خیابان های کابل از پشت شیشه های دودی ماشین رنگ می بازد و جای خود را به حقیقتی می دهد.

داخل هواپیما زنی کنارم نشسته است که دقیقه ای آرام و قرار ندارد. پیش از بلند شدن هواپیما و در فاصله توقفی کوتاه از مشهد تا کابل دایم انگشتان لرزانش را بر شماره های گوشی تلفن همراه می لغزاند و از همسرش می خواهد که حتما پیش از رسیدن او به کابل در فرودگاه باشد. از مادرش می خواهد که برای به سلامت عبور کردنش از تیررس ماموران افغان دعا کند و زیر لب این جمله را تکرار می کند که ماموران ایرانی در فرودگاه امام به او خاطرنشان کرده اند که به دلیل اقامت بیش از حدمجاز در ایران هر سناریویی برای او در کابل محتمل است: هم از بازداشت حرف می زند و هم از خطر بازگردانده شدن.

در ایران روانشناسی خوانده و از زمزمه هایش با مسافر مرد ایرانی پشت سرم می فهمم که نگران بازار کار در افغانستان است.

نخستین برخورد با زنان افغان به تماشای جدال زنی می گذرد که با سودای زندگی بهتر به ایران آمده و حالا با دردسر بازگشت به وطن دست و پنجه نرم می کند.



© Photo: Reza Asgari

زنان دوره گرد، زنان فروشنده

ما می‌خواهد که عکس گرفته شده از او را حذف کنیم و تاکید می‌کند که به جای من می‌توانید از کالاها و فروشگاه عکس بگیرید. شکاف نسل‌ها در زنان افغانستان به خوبی نمود پیدا کرده است. مادرائی که در سایه چکمه‌های سربازان بیگانه از اتحاد جماهیر شوروی سابق تا نیروهای امریکایی و اروپایی و البته در این فاصله در حاشیه حضور طالبان از حضور در جامعه سرباز زده بودند جای خود را به دخترانی داده‌اند که قرار است به جای چندنسل سوخته از همجنس‌های خود از زندگی انتقام بگیرند. دخترانی که حضور خود را در جامعه‌ی هنوز و همچنان مردسالار افغانستان چه با کار در فروشگاه و چه با حضور در دانشگاه به رخ می‌کشند. با اینهمه ناگفته پیداست که تنها زنان و دخترانی فرصت حضور در جامعه را با پوشش‌هایی نسبتاً آزاد پیدا می‌کنند که به طبقه متوسط و رو به مرفه افغانستان تعلق دارند. دخترانی که پدران و برادران آنها خلاف مسیر رودخانه شنا کردن را از داخل خانه آغاز کرده‌اند. هنوز هم از بسیاری از مردان افغان که سوال می‌کنید چند بچه داری؟ پاسخ می‌دهد: سه بچه. بچه در افغانستان یعنی پسر و پدران، دختران خود را در شمار کودکان خویش به حساب نمی‌آورند.

نخستین مواجهه با زنان دوره گرد در افغانستان به بدو ورود به بازاری موسوم به Bush Market در کابل بازمی‌گردد. بازاری که پس از حمله نیروهای امریکایی و متحدانش به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی به مدد فروش کالاهای امریکایی توسط سربازان خارجی در افغانستان آغاز به کار کرده است.

زنانی چادری پوش که تنها دست‌ان چروکیده و نحیف خود را از زیر عبای آبی رنگ بیرون آورده و با درک شیعه بودن ت تو را به ضامن آهو قسم می‌دهند که به کودک همراهشان کمک کنی. فقری که از پشت شیشه‌های ماشین‌های چندین آزاردهنده به نظر نمی‌رسد با التماس‌های این زنان و کودکان درست مانند حقیقتی که تلاش می‌کنی دور از آن بمانی سیلی می‌شود و بر صورت فرود می‌آید. در فروشگاه‌های بزرگ اما از زنان چادری پوش با دست‌ان چروکیده دیگر خبری نیست. در فروشگاه‌های زنجیره‌ای در محله متعلق به طبقه‌ای مرفه از ساکنان کابل، از پله برقی که بالا می‌روی به فروشگاه‌های زنجیره‌ای می‌رسی و دختر جوان آرایش کرده و زیبایی که با چشمان سرمه کشیده و درشت خود بر صندلی صندوق دار تکیه زده است. دختری حدوداً ۲۵ ساله که ابتدا اجازه عکاسی می‌دهد اما پس از مشورتی کوتاه با یکی از مردان میانسال همکارش از

زنان قلم به دست، زنان روزنامه نگار

برداشته اند.

یکی از اعضای تحریریه پژواک تاکید می کند که به دلیل سختی کار و زیاد بودن مسافت در میان ایالت های متفاوت در افغانستان معمولا زنان به عنوان خبرنگار اعزام نمی شوند اما میزان حملات به زنان خبرنگار به نسبت مردانی که این حرفه را برگزیده اند، کمتر است.

وی با اشاره به کشته شدن یک خبرنگار زن و مسوول یک رادیو در ولایت پروان تاکید می کند که هنوز به دلیل برخی مشکلات فرهنگی نمی توان زنان خبرنگار را به راحتی مانند مردان به مناطق خطرناک اعزام کرد.

داستان تلاش زنان برای پشت سر گذاشتن سدهای تبعیض در افغانستان، روایت تقلا برای دریا شدن است. روایت عبور از کوچه های غم آلود ملبس به مشکی ترین پیرهن ها. داستان کودکی های سپری شده در دالان های سیاه جنس دوم خوانده شدن.

داستان گلوبی متورم از درد که فریاد را تمرین می کند. داستان جنسی که لب هایش را با باروت سرخ کردند و تصویری از او ساختند که خودش نبود. زنان امروز افغانستان هرچند دیر، هرچند سخت این شعر شاعره هموطن خود «نادیا انجمن» را تمرین می کنند :

من نه آن بید ضعیفم که ز هر باد بلرزم

دخت افغانم و برجاست که دایم به فغانم

آخرین و زیباترین مواجهه با زنان در افغانستان پس از گفتگو با شکریه بارکزی نماینده زن حاضر در مجلس افغانستان با حضور در خبرگزاری پژواک رقم خورد. پربیننده ترین خبرگزاری در افغانستان که مردان آن جایی هم برای جنسی دیگر در کنار خود باز کرده اند. هرچند در جلسه هماهنگی میان خبرنگاران بخش ها و ولایت های مختلف تنها زن حاضر در جلسه من بودم اما حضور در تحریریه خبرگزاری نشان از واگذاری برخی پست ها به زنان هم داشت.

زنانی که پشت کامپیوترهای نه چندان به روز نشسته و خیره به مانیتور اخبار انتخابات و افغانستان را دنبال می کنند. بیش از ۴۰ زن در خبرگزاری پژواک مشغول به کار هستند. زنانی که به گفته یکی از اعضای تحریریه پژواک به دیپلماسی ایرانی در صورت برابری جایگاه کاری با مردان این خبرگزاری از حقوقی برابر هم برخوردار هستند.

زنانی که با تسلط به زبان انگلیسی هم در تهیه و تنظیم اخبار و گزارش های روزانه از حوادث بین المللی سهیم هستند و هم در بخش مربوط به دریافت گزارش های تقلب ها از انتخابات فعالیت می کنند. انتخاباتی که شاید مولود روزهای بهتر برای زنانی باشد که نه تنها به تغییر فکر می کنند که در راه عملی کردن آن هم گام های آرام اما بلند



© Photo: Reza Asgari

دغدغه امنیت، کابل را دوپارچه کرده است

• دیوارهایی میان دولت و مردم

خودرو است که وارد مرحله بعدی بازرسی ها می شوید.

از بازرسی های بدنی هرفردی که قصد ورود به هتل را دارد تا جستجوی وسایل همراه. حساسیت های بالای کارکنان هتل به خودی خود، وجود بی امنی در پایتخت افغانستان را القا می کند. هر مسافر یا مهمان این هتل می تواند یکی از عوامل طالبان باشد. طالبانی که در سال ۲۰۰۸ هم با حمله به هتل سرنای کابل، خاطره ای تلخ از خود به جای گذاشت. ورود به هتل سرینا مساوی است با فاصله گرفتن از فقر مردم کوچه و بازار.

کابل را به راحتی می توان شهر هتل های ۵ ستاره پر زرق و برق برای خارجی ها و خیابان های آکنده به فقر برای مردم عادی خواند. هتل هایی که در ارائه خدمات و سرویس کم از مدرن ترین هتل های فعال در اروپا و آمریکا ندارند. از وعده های غذایی متنوع در رستوران هتل تا لابی و حیاط هایی که هیچ شباهتی به خیابان های آن سوی دیوارهای سیمانی ندارد. قطع برق چندین بار در روز اتفاق می افتد اما ثانیه ای بعد به کمک دستگاه های کمکی باز هم چراغ ها روشن و شبکه اینترنت وصل می شود. در هتل سرینا نه سودای خاموشی را داری و نه حس سفر به افغانستان جنگ زده.

یک هفته پس از ترک کابل است که خبر حمله طالبان به هتل سرینا در صدر اخبار افغانستان قرار می گیرد. تصور عبور طالبان از آن گیت های امنیتی و ایست های بازرسی عملا غیرممکن است. بر اساس آخرین گزارش های رسیده، حمله نیروهای طالبان به هتل ۹ کشته و زخمی برجای گذاشته است که نام ۴ خارجی در میان لیست کشته شدگان به چشم می خورد. حملاتی اینچنین است که دیوارکشی های مرتفع در کابل را توجیه می کند. هرچند افراط در افغانستان با بالا رفتن از هرمانعی سالهاست که راه خود را برای خودنمایی و قدرت نمایی باز کرده است.

کابل شهر دوپارچه است. این تعبیر از نخستین ساعات ورود به شهر در ذهن ت تداعی پیدا می کند. در نخستین ساعات گشت و گذار در شهر، اصغر، راننده ای که مسئولیت نشان دادن شهر به ما را بر عهده داشت، به محض نزدیک شدن به ساختمان های دولتی تذکر می داد که عکسبرداری از این نقطه ممنوع است. اما اندک اندک با عادت کردن چشم به دیوارهای بلند دیگر امکان تشخیص مکان های امنیتی و دولتی برای ما تازه واردها هم به امر سهلی بدل شد. هر جا دیوار بود عکس برداری هم ممنوع بود. دیوارهایی از جنس بتون و سیمان که ارتفاع آن به چندین متر می رسید. دیوارهایی که از شعاع چندین متری ساختمان های اصلی شروع و دورتا دور آنها را حلقه وار محاصره می کرد. اصغر در توضیح علت این دیوارکشی ها به راحتی تاکید کرد که به دلیل احتمال حمله نیروهای طالبان و به منظور بالا بردن ضریب امنیتی ساختمان ها و مقامات است که چنین دیوارهایی کشیده می شود. حصارکشی ها در داخل شهر همان اندازه که به چشم ما خارجی ها بیگانه و نامانوس بود به چشم راننده افغان ما در کابل عادی و رویه ای قابل درک به نظر می رسید.

از هتل های مجلل تا خیابان های محروم

نخستین مواجهه از نزدیک با این دیوارکشی ها به لحظه ورود به هتل سرینا مربوط می شود. هتل محل اقامت تیم دیپلماسی ایرانی که ظاهرا از بالاترین ضریب امنیتی در میان هتل های قابل سکونت در کابل برای خارجی ها برخوردار بود. دیوارهای سیمانی بلند به تنها چشم انداز بیرونی هتل تبدیل شده است. از بیرون که نگاه می کنی گویا در حال وارد شدن به دژی نظامی هستی. دژی که برای ورود به آن ابتدا ماشین حامل مسافران توسط سگ های آموزش دیده بازرسی شده و پس از اطمینان از عدم جاسازی بمب در

کاندیداهار در حصار!

دومین رویارویی با دنیای آن سوی دیوارها به زمان مصاحبه با کاندیداهای ریاست جمهوری افغانستان باز می گردد. از زلمی رسول تا دکتر عبدالله عبدالله و اشرف غنی که سه کاندید اصلی در جریان مبارزه های انتخاباتی افغانستان به حساب می آیند. محل مصاحبه با هر سه کاندیدها ، منازل محل اقامت آنها اعلام شده است.

خانه هایی که دیوارهایی کم و بیش بلند اطراف آنها را احاطه کرده اند و چند افغان با لباس سنتی افغانستان اما اسلحه به دست مسئولیت تأیید هویت افرادی که وارد ساختمان می شوند را بر عهده دارند. حال و هوای امنیتی پیش از انجام مصاحبه ها در حالی که ساعتی پیش از آن از هتل سرینا بیرون آمده باشی به انجام مصاحبه در خط مقدم می ماند.

کاندیداهایی که همگی نامنی را اصلی ترین عامل عدم توسعه افغانستان در چندسال اخیر می دانند اما هیچ کدام راهکار عملی برای تشویق طالبان به دست کشیدن از عملیات های انتحاری پیشنهاد نمی کنند.

امنیت پیش نیاز توسعه در افغانستان است اما بر هیچ کس پوشیده نیست که راهی برای ارتقای این امنیت با وجود گذشت ۱۰ سال از حمله نیروهای امریکایی و اروپایی وجود ندارد.

حضور طالبان در پایتخت افغانستان به شدت کاهش یافته است اما عملیات های انتحاری و بمب گذاری های گاه به گاه در حقیقت مشتکی است نمونه خروار.

طالبانی که روزی بر اریکه قدرت در افغانستان تکیه زده بود و امروز هم نه روند انتخابات و نه قانون اساسی این کشور را به رسمیت می شناسد برای ابراز وجود، ابزاری جز اسلحه ندارد.

سایه دیوارها بر ارگ ریاست جمهوری

مصاحبه با حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان در واپسین ماه های حضور وی در قدرت علاوه بر متنی هیجان انگیز ، حاشیه های پررنگی هم داشت. یک ساعت پیش از انجام مصاحبه حضور در محلی که در حقیقت نیم ساعت با ساختمان اصلی ارگ فاصله دارد، ضروری است.

عبور از چندین گیت بازرسی و اثبات هویت مصاحبه کننده و عکاس ، پروسه ای وقت گیر و اندکی تعجب آور است. برای رسیدن به اتاق حامد کرزی حداقل سه بار بازرسی بدنی می شوی و در این میان خودکاری هم که برای یادداشت برداری از صحبت های رئیس جمهور به همراه داری باید به نیروهای امنیتی واگذار کنی.

رئیس جمهوری که دو دوره بر صندلی قدرت در افغانستان پس از طالبان تکیه زده است در حالی برای نخستین دست به دست شدن دموکراتیک قدرت تلاش می کند که هنوز به اعتراف شخص وی ، سایه طالبان از سر مردم افغانستان دور نشده است.

طالبان برگزاری انتخابات را در چندین ولایت ممنوع اعلام کرده است و به نظر می رسد که درست مانند انتخابات سال ۲۰۰۹ ، ترس مردم از در تیررس حمله قرار گرفتن به کاهش نسبی حضور در انتخابات هم منجر شود.

رعایت تدابیر امنیتی در اطراف ارگ ریاست جمهوری کارساز بوده است. ساختمانی که محل حکمرانی طالبان هم پیش از حمله نیروهای امریکایی بوده است همچنان دست نخورده و ایمن باقی مانده است. بناهایی قدیمی اما فوق العاده مجلل که برای چندساعتی شما را از خیابان های کابل و مردمی که چشم امید به ساکن بعدی ارگ ریاست جمهوری دوخته اند، دور می کند.

انتخابات، مولود امنیت یا مادر بی ثباتی های بیشتر؟

انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان بنابراینرنامه ریزی های انجام گرفته در روز ۱۶ فروردین برگزار خواهد شد. انتخاباتی می رود تا دست فردی جز حامد کرزی را برای ورود به ارگ ریاست جمهوری افغانستان بالابرد. انتخابات در فضایی که مذاکره با طالبان هنوز به نتیجه نرسیده است و پیمان نامه امنیتی میان امریکا و افغانستان هم سرنوشت سربازان امریکایی در این کشور را مشخص نکرده است نمی تواند به تنهایی ابزاری برای ارتقا اوضاع امنیتی و سیاسی افغانستان باشد.

برگزاری این انتخابات هم می تواند مولود ثبات سیاسی و امنیتی بیشتر باشد و هم مادر ناامنی هایی که افغانستان به تاراج رفته را باز هم به عقب بازگرداند. در سال ۲۰۰۱ میلادی ، امریکا دست در دست متحدانش به افغانستان لشگرکشی کرد تا این کشور دیگر بهشت امن القاعده و جریان های تروریستی برای حمله به خاک دیگر کشورها نباشد.

حمله ای که به دستور جورج بوش رئیس جمهور وقت ایالات متحده صورت گرفت تا خاطره تلخ و گزنده حمله به برج های دوقلو در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را از ذهن مردم امریکا پاک کند. اکنون باراک اوبامای دموکرات که به جای بوش سکان امور در کاخ سفید را بر عهده دارد معتقد است که ۳۵۲ هزار سرباز و پلیس افغان می توانند از پس طالبان و نامنی های رایج در افغانستان برآیند. این در حالی است که بر اساس آخرین گزارش دفتر

سازمان ملل متحد در افغانستان در سال ۲۰۱۳ تلفات

افراد غیرنظامی در افغانستان به نسبت سال ۲۰۱۲ ، ۱۴ درصد افزایش یافته است . همچنان زنان و کودکان در صدر قربانیان این خشونت در افغانستان هستند.

حمله به افغانستان برای نیروهای ناتو و امریکا نه تنها چندین میلیارد دلار هزینه برداشت بلکه به کشته شدن ۳۴۲۵ نفر از سربازان خارجی در این کشور در ۱۳ سال گذشته هم منتهی شده است.

سال ۲۰۱۴ سال خروج نیروهای امریکایی از افغانستان اعلام شده است. در حال حاضر مشخص نیست که امریکایی ها چه تعداد از نیروهای خود را برای استقرار در پایگاه های نظامی از پیش تعیین شده در خاک افغانستان نگهداری خواهند کرد. حامد کرزی با عدم امضای پیمان نامه امنیتی با امریکا در حقیقت توپ را به زمین رئیس جمهور آتی فرستاده است .

نتیجه این انتخابات می تواند عامل محک خوبی هم برای کاخ سفیدی باشد که تمام توان خود را بر پایان دادن به جنگ افغانستان متمرکز کرده است.

جنگی که هنوز در کوچه و خیابان های شهرهای بزرگ افغانستان با یک انفجار، چندین قربانی می گیرد. افغانستان امروز هنوز نگران خاکستریهای جریان افراط است که می تواند باز هم بالای خانمان سوز امنیت در این کشور پس از چندین دهه جنگ داخلی و دخالت های خارجی شود.



ایست!

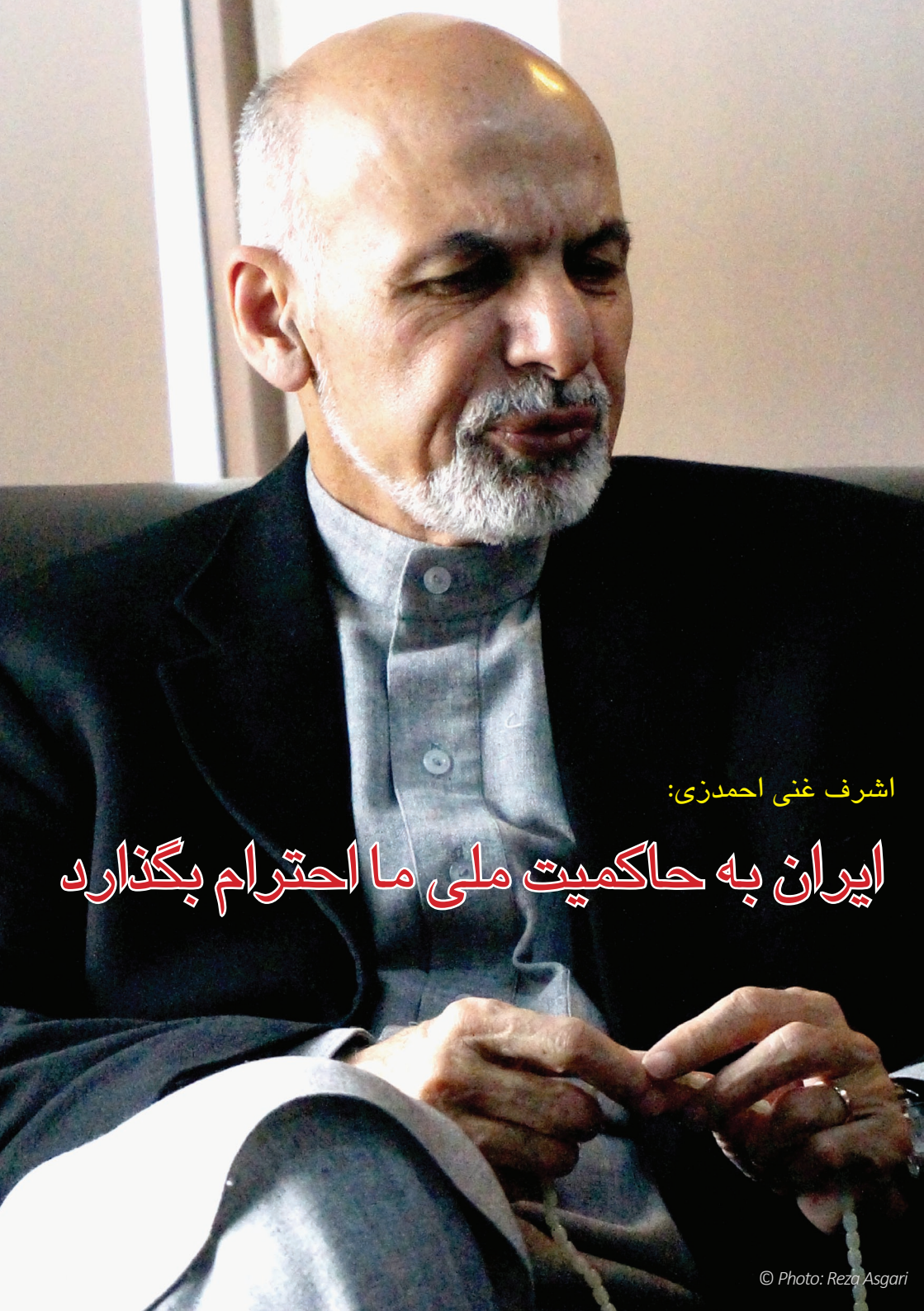
رئیس جمهور عبور می کنند



ع
 بور و مرور حامد کرزی به گفته راننده افغان همراه ما ، عمدتا با هلیکوپتر انجام می گیرد. بی شک طالبان برای کشتن مردی که پس از فروپاشی حاکمیت آنها به انتخاب ایالات متحده و سپس با رای مردم سکان اداره امور را در دست گرفت، لحظه شماری می کنند. واپسین روز حضور در کابل برابر با آغاز به کار مجلس این کشور پس از تعطیلات بود.

حامد کرزی برای حضور در این مراسم سوار بر یکی از هیونداهای مشکی شد که پشت سر هم خیابان های فقرزده کابل را دور زدند تا رئیس جمهور را به مراسم برسانند. هیونداهایی مشابه هم که عملا امکان شناسایی حضور کرزی در یکی از آنها برای هیچ کس ممکن نیست. نیم ساعت پیش از عبور رئیس جمهور از خیابان های مدنظر ، حرکت هر وسیله نقلیه اعم از دوچرخه تا ماشین های شخصی از محدوده فوق ممنوع است. با نزدیک شدن ماشین هایی که یکی از آنها حامل رئیس جمهور است مردم عادی نیز حق حرکت به داخل مسیر را نداشته و باید در پیاده روهای منتهی به خیابان اصلی بایستند.

این عکس های که مخفیانه و از داخل ماشین گرفته شده چند دقیقه پیش از ورود کاروان رئیس جمهور به داخل محدوده ارگ بم و متوقف شدن مردم و سایر وسایل نقلیه را نشان می دهد.



اشرف غنی احمدزی:

ایران به حاکمیت ملی ما احترام بگذارد

نگ انتخابات در افغانستان در شانزدهمین روز از فروردین ماه به صدا درخواهد آمد. دوران قانونی بقای حامد کرزی بر کرسی ریاست جمهوری به پایان رسیده است و در صورت برگزاری آرام و بی حاشیه این انتخابات و به نتیجه رسیدن آن در دور اول از ابتدای خرداد ماه جاری فرد دیگری به ارگ ریاست جمهوری افغانستان راه پیدا خواهد کرد. از میان ۲۷ کاندید ثبت نام کرده، صلاحیت ۱۱ کاندید مورد تایید نهایی قرار گرفته است. بر اساس قانون اساسی افغانستان هر کاندید در هنگام ثبت نام، نام دو تن از معاونان اول و دوم خود را هم اعلام می کند که بر این اساس، رای دهندگان در حقیقت به تیم او رای می دهند. با توجه به ترکیب گسترده قومیتی در افغانستان، این امر در انتخاب دو معاون از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. اقوام پشتون، تاجیک، هزاره (شیعه) و ازبک به ترتیب بیشترین درصد جمعیتی را به خود اختصاص داده اند. در طول تاریخ افغانستان (باستثنای امان الله در اوایل قرن بیستم، ببرک کارمل در دوران اشغال این کشور توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق و برهان الدین ربانی در دوره حکومت مجاهدین) پشتون ها همواره نفر اول در ساختار حاکمیتی این کشور بوده اند. در این انتخابات از میان ۱۱ کاندیدی که برگ سبز نهایی را دریافت کرده اند ۱۰ نفر از قوم پشتون و تنها دکتر عبدالله از تاجیک ها است. بر اساس آخرین نظرسنجی های انجام گرفته در افغانستان دکتر عبدالله عبدالله، دکتر اشرف غنی احمدزی و زلمی رسول شانس بیشتری برای پیروزی در انتخابات دارند.

تیم دیپلماسی ایرانی در سفری که در واپسین روزهای سال ۱۳۹۲ به کابل داشت با هر سه این کاندیداها گفتگوهای مفصل در خصوص موضع گیری ها و برنامه های هر کدام در صورت راه یافتن به ارگ ریاست جمهوری انجام داد. گفتگو با اشرف غنی احمدزی نخستین گفتگو از این مجموعه گفتگوها است که منتشر می شود.

وی که با شعار انتخاباتی تحول و تداوم به میدان آمده است ژنرال عبدالرشید دوستم از قوم ازبک را به عنوان معاون اول و سرور دانش از قوم هزاره را به عنوان معاون دوم خود معرفی کرده است. او که فارغ التحصیل دانشگاه ایالات متحده آمریکا در بیروت است دارای سوابق کاری متعدد در خارج و داخل افغانستان است. کار در بانک جهانی، استاد در دانشگاه های کابل، دانمارک و جان هاپکینز و فعالیت به عنوان تحلیل گر مسائل منطقه ای در زمره کارهایی غیرمرتبط با افغانستان است. مشاور اخضر ابراهیمی نماینده سابق سازمان ملل متحد در امور افغانستان در کنفرانس بن سال ۲۰۰۱، مشاور اقتصادی حامد کرزی در سال ۱۴۸۰ هجری شمسی، وزیر مالیه در فاصله سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ هجری - شمسی و مسئول برنامه انتقال مسئولیت های امنیتی از نیروهای خارجی به افغان در دو سال اخیر

هم به عنوان سوابق کاری در کارنامه او ثبت شده است. اشرف غنی احمدزی که ظاهرا از دیدگاه های زلمی رسول و عبدالله عبدالله فاصله بسیاری دارد از سوی برخی از تحلیل گران مهره مورد حمایت پاکستان و عربستان به حساب می آید.

وی در یکی از مناظره های پرسر و صدای انجام گرفته هم در پاسخ به این پرسش که در صورت پیروزی، نخستین کشوری که به عنوان مقصد انتخاب خواهید کرد، کجا خواهد بود؟ پاسخ داد: عربستان سعودی. با اینهمه به نظر می رسد که دیدگاه های اقتصادی وی و سخن گفتن او به شکل حرفه ای تر از دغدغه های اقتصادی مردم به عاملی برای پررنگ تر شدن شانس پیروزی وی تبدیل شده است. متن گفتگوی اختصاصی دیپلماسی ایرانی با وی که در منزل او در کابل انجام شد به شرح زیر است:

مصاحبه را با شعار انتخاباتی شما آغاز کنیم: « تحول و تداوم.» اگر در حوزه داخلی افغانستان چالش های پیش روی شما را در صورت پیروزی در نظر بگیریم، کدام مسائل به تحول و کدام سیاست ها به تداوم به معنای واقعی کلمه نیاز دارند؟

شعار انتخاباتی من تحول و تداوم است. یکی از مسائلی که به تحول در افغانستان نیاز دارد، عملی کردن قانون اساسی است. در نتیجه این تحول، هر افغان به یک شهروند تبدیل خواهد شد که دارای حقوق مساوی با دیگر شهروندان است. این مساله اصلی ترین هدف ما در اجرای قانون اساسی است. نکته دوم تحول، به نحوه اداره دولت و حکمرانی باز می گردد.

امروز در افغانستان فساد اداری به غده ای سرطانی تبدیل شده است. اصلاحات بنیادی که بتواند اعتماد مردم به دولت را جلب و یک دولت کارآمد که آرزوهای مردم را عملی کند، دومین حوزه ای است که به تحول نیازمند است. سومین مساله هم مشارکت سه اکثریت عددی که از نگاه سیاسی و اقتصادی در حال حاضر در اقلیت هستند: جوانان، زنان و فقرا و افراد بی بضاعت است.

شرایط مشارکت حداکثری این سه طیف در حوزه های اقتصادی - سیاسی و قضایی باید فراهم شود. در تمام سطوح حکومت داری از سطح قریه تا سطح ملی نوع مشارکت این افراد باید در نظر گرفته شود. چهارمین مساله نوع نظام اقتصادی است. نظام اقتصادی فعلی حاکم بر افغانستان، مصرفی و متکی بر کمک های خارجی است.

هدف ما ایجاد یک نظام تولیدی است که در آن حق سرمایه و سرمایه دار محفوظ و فرصت های اشتغال برای جوانان و زنان در آن به شکل مساوی وجود داشته باشد. دولت عواید قابل ملاحظه، حساب شده و البته قانونی داشته باشد و در نتیجه بر اساس حرکت اقتصادی فوق، فقر زدایی از

افغانستان صورت بگیرد.

در نوع مناسبات اقتصادی مابین وزارت ها ، ولایت ها ، استان و شهرستان ها باید اصلاحاتی صورت گیرد. هدف من این است که ۴۰ درصد از بودجه ملی را به دیگر سطوح حکومت انتقال دهم تا به نوعی سهم گیری مناطق مختلف از بودجه ملی عملی و تمرکز دولت بیشتر بر مسائل استراتژیک و بنیادین باشد.

بخشی از مسئولیت شما در دو سال گذشته نظارت بر روند انتقال مسئولیت ها از نیروهای خارجی به نیروهای افغان بوده است. در حال حاضر وضعیت نیروهای امنیتی افغان به چه شکل است ؟ آیا این نیروها قادر به تامین امنیت کشور در سطح کلان هستند؟

مقوله امنیت مساله ای مقایسه ای است . به طور مثال کابل از کراچی مصون تر و مزار شریف هم از لاهور پاکستان امن

مهم ترین مساله مدنظر من در تحول ، تلاش برای ایجاد پل صلح پایدار است. صلح پایدار به این معناست که ما به دنبال تحقق عملی فرآیند صلحی هستیم که در چارچوب آن هر افغان ، توان تامین امنیت خود را در نیروهای دولتی ببیند. بر این اساس می توانیم در فضایی امن با هم زندگی کنیم. حرکتی که امروز با توسل به زور به یک قوه تحمیل می



© Photo: Reza Asgari

تر است. هر کلان شهر افغانستان را که با شهری مشابه در پاکستان مقایسه کنید متوجه می شوید که ضریب امنیت و مصونیت در آن شهر افغانستان بیش از شهر مشابه در پاکستان است.

البته در مقایسه همین کلان شهرها با شهرهای مشابه در ایران بی شک باید اعتراف کرد که وضعیت امنیت در ایران بهتر است. در این راستا اگر هدف از آماده سازی نیروهای امنیتی افغانستان ، تلاش برای حفظ حاکمیت ملی افغانستان

شود باید به مباحث سیاسی تبدیل شده و در نهایت هم احزاب منسجم سیاسی شکل بگیرند. بدین ترتیب در جریان بحث و با توافق می توانیم جامعه را به سمت میانه روی سوق دهیم. جامعه افغانستان جامعه ای میانه رو است اما سیاست ما با این میانه روی تطبیق نداشته است. بنابراین نخستین نتیجه تحول این است که دیگر در افغانستان شاهد حضور اکثریت خاموش نخواهیم بود. اکثریت دارای مطالبه ها و سهم های مشخص در حوزه های متفاوت از اقتصاد

باشد، باید گفت که ما توان تامین این هدف را داریم. دولت از نگاه امنیتی در خطر سقوط قرار ندارد.

ارتش افغانستان قابلیت ها و ظرفیت های خاص خود را پیدا کرده است. وضع امنیتی با خروج رقم قابل توجهی از سربازان بین المللی بهبود یافته است. در هیچ نقطه ای از افغانستان ما با احتمال سقوط نیروهای امنیتی مواجه نیستیم. بنابراین، این بخش از پروسه انتقال مسئولیت تامین امنیت از نیروهای امریکایی به نیروهای افغان - که مردم ابتدا ایمانی به فرجام رسیدن آن نداشتند- با موفقیت انجام شده است. قوای امنیتی ما در حال حاضر هم تعلیم های لازم را دیده و هم مجهز شده است.

آکادمی امنیتی که امروز در افغانستان در حال فعالیت است یکی از عمده ترین منابع سرمایه گذاری های انسانی است که در آینده ضمانت تامین امنیت افغانستان به حساب می آید. نسل جدیدی از افسران در حال شکل گیری هستند که در ده سال آینده می توانیم شاهد حرفه ای شدن کامل قوای امنیتی خود باشیم. این حرفه ای شدن نقطه قوت و امید ما است. دومین نکته این است که میزان حمایت و پشتیبانی مردم از نیروهای امنیتی روز به روز افزایش پیدا کرده است.

میزان اعتماد به ارتش و پلیس ملی به بیش از ۶۰ درصد در میان افکار عمومی رسیده است. علاوه بر این تمام قوای امنیتی ما هم ارتش و هم پلیس نیروهای داوطلب هستند و برخی از آنها دوره های سه ساله خود را برای سومین یا چهارمین بار پیاپی هم تجدید کرده اند.

مشکل اصلی ما مشکل تامین بودجه است. عواید ملی افغانستان در حدود ۲ میلیارد دلار است و مصارف امنیتی ما در حدود ۵ میلیارد دلار. بنابراین مناسبات ما با جامعه بین المللی در این خصوص امری ضروری است چرا که بدون تعهداتی که در کنفرانس شیکاگو مبنی بر اعطای ۳۵ میلیارد دلار کمک مالی به بخش های امنیتی افغانستان داده شد، ما جایگزین دیگری نداشته و نمی توانیم کار را ادامه دهیم. این بستر مالی برای تامین امنیت افغانستان در آینده ضروری است.

شما از طرفداران امضای پیمان امنیتی با امریکا هستید. چه نقاط مثبتی در امضای این پیمان نامه می بینید و آیا پیمان نامه می تواند تضمین بهبود اوضاع امنیتی در افغانستان باشد؟

در قرارداد امنیتی با امریکا برای نخستین بار حق حاکمیت ملی ما به رسمیت شناخته شده است. پیش از آنکه حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ دهد، شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرد که نیروهای بین المللی می توانند وارد خاک افغانستان شده و البته حق استفاده از سلاح را هم دارند. این حق در قطعنامه های شورای امنیت هم

گنجانده شده است. بر اساس پیمان امنیتی این حق از نیروهای بین المللی گرفته شده و در اختیار افغان ها قرار می گیرد. قوای امنیتی و بین المللی از این پس بدون اجازه دولت افغانستان حق استفاده از سلاح را در خاک افغانستان نخواهند داشت.

بنابراین انحصار مشروع استفاده از تسلیحات و تصمیم گیری در خصوص این تسلیحات به شکل کامل در اختیار دولت افغانستان قرار می گیرد. همچنین حق عبور از حریم هوایی ما هم انحصاراً در اختیار دولت قرار می گیرد.

بنابراین من قرارداد امنیتی را در شرایط فعلی به نفع منافع ملی کشور می دانم. نکته قابل ذکر این است که حضور نیروهای بین المللی وظیفه است و نه هدف. هدف ما ایجاد یک پیمان برای تامین ثبات و رفاه منطقه ای است که در چارچوب آن خطر استراتژیک حرکت های افراطی که همگان را تهدید می کند، باید دفع و سپس مورد درمان ریشه ای و رفع کامل قرار گیرد.

همکاری های منطقه ای در تامین این هدف حرف نخست را می زند و البته باید بیان کنم که پیمان امنیتی با امریکا خلاف اصل همکاری های منطقه ای ما نخواهد بود. افغانستان با توجه به شرایط جغرافیایی و تاریخی که دارد باید مناسبات منطقه ای خود را به مراتب افزایش دهد چرا که آینده ما بخصوص در بعد اقتصادی به همکاری های منطقه ای وابسته است.

یکی از مهم ترین چالش ها در انتخابات پیش رو بحث قومی شدن انتخابات است. شما چه برنامه ای برای حضور فراگیر قومیت ها در کابینه خود دارید؟

مشارکت تمام مردم یکی از اساسی ترین اصول کاری بنده است. مشارکت قوم بزرگ تاجیک افغانستان که بیش از هزار سال بدنه مدیریتی دولت ها در افغانستان را تشکیل داده از اهمیت بسیاری برخوردار است. مثلی که در حال حاضر دال بر وجود یک رئیس جمهور و دو معاون است جوایگی شرایط موجود در افغانستان نیست.

ما متعهد شده ایم که قانون اساسی را در سال چهارم تعدیل کرده و حداقل سه معاون و از دیدگاه من چهار معاون، انتخاب شوند. چرا که هر مساله ای که از منظر سبملیک دارای اهمیت شود و اساس انتخاباتی مردمی داشته باشد موجب عناد می شود. در عین حال از آنجا که ما در افغانستان سه قوه دولتی داریم قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه، وجود تعادل در این سه قوه از منظر ترکیب قومیتی و مشارکت امری ضروری است.

علاوه بر این هم در کابینه و هم در تمام نهادهای دولتی ما یک پایه وسیع مشارکت مردمی را امری ضروری می دانیم تا بر اساس آن، همه در تصمیم گیری ها شریک باشند. اما

برای مخالفت با ایران نخواهد بود. اما مساله ای که ایران باید درک کند این است که یک دولت باید بر اساس منافع ملی خود تعادل را در روابط خارجی اش حفظ کند. هر دولتی اصل همکاری با سایر کشورها را بر اساس منافع خود می سنجد.

در حوزه اقتصادی ما برنامه بسیار وسیعی برای همکاری با ایران داریم. چهارپار برای ما حیثیت حیاتی دارد و ما خواهان توسعه مناسبات همه جانبه بین ایران ، هند و افغانستان در این خصوص هستیم. مساله ترانزیت دو طرفه، اهمیت فراوانی دارد. حداقل ۳۰ درصد از واردات ما از طریق بندرهای ایرانی صورت می گیرد و امیدواریم که بخش عمده ای از صادرات افغانستان هم از مسیر ایران به کشورهای حاشیه خلیج فارس) و سایر مناطق صورت بگیرد.

معنی مشارکت این نیست که فلان اداره به یک گروه خاص تعلق بگیرد. هر اداره و نهادی در افغانستان به تمام مردم این کشور تعلق دارد. از این جهت مشارکت با فضیلت، تقوا و حسابرسی ها توأم خواهد بود. بدون این فاکتورها « تحول » در امور که خواسته و مطالبه همه مردم است عملی نخواهد شد.

شعاری که همه مردم به دنبال تحقق آن هستند این است که کار را باید به اهل آن سپرد و ضوابط باید بر روابط حاکم شود. باید در نظر داشت که دیدگاه قومی یک دیدگاه است و دیدگاه افشار ، دیدگاه دیگری است.

باید میان این دو دیدگاه تعادل لازم برقرار شود تا تمام شهروندان هم عملی شدن مطالبه های خود را حس کرده و هم یک دولت کارآمد و موثر را که می تواند ارزوهای همه را عملی کند، در راس کار در کشورشان ببینند.

به نظر می رسد که دولت حامد کرزی در دو دوره حضور خود در ریاست جمهوری به خوبی از عهده بهبود رابطه با ایران برآمده است و امروز از این مساله به عنوان یکی از افتخارات دولت او در سیاست خارجی سخن به میان می آید. شما برای رفع نگرانی های ایران بخصوص در خصوص ادامه حضور نیروهای بیگانه در افغانستان چه راهکاری اندیشیده اید؟

تداوم سیاست فعلی در برابر ایران در دولت آتی یکی از مصداق های شعار انتخاباتی « تحول و تداوم » من است. سیاست خارجی که حامد کرزی تا به امروز تعقیب کرده است سیاستی است که از نگاه منطقه ای حایز اهمیت فراوانی برای ما است.

افغانستان از نگاه من ۵ حلقه سیاست خارجی دارد: منطقه ، جهان اسلام ، امریکا، اروپا، ناتو و ژاپن، کانادا ، آسیا و نهادهای بین المللی کمک کننده و شرکت های بزرگی که در افغانستان مشارکت دارند. ایران و افغانستان منافع مشترک بسیاری دارند. نکته اول این است که بین این دو کشور هیچ گونه نزاع مرزی وجود ندارد.

دو دولت مستقل یکدیگر را به رسمیت شناخته اند بنابراین دو دولت با هم سر و کار دارند. اساس ارتباط ما در قدم اول بر اساس احترام متقابل دو دولت به هم است. ایران در دهه های گذشته پیمان هایی را امضا کرده است که در راستای منافع ملی این کشور بوده است. پیمان امنیتی افغانستان با ایالات متحده هیچ گاه تهدیدی برای همکاری های کابل با تهران نیست.

اما منافع ملی ما امضای این پیمان را ایجاب کرده و این مساله حق حاکمیت ملی ما هم به حساب می آید. هیچ گاه دولت افغانستان اجازه استفاده از خاک افغانستان علیه ایران را به کسی نخواهد داد. این مساله در پیمان امنیتی هم گنجانده شده است. بنابراین افغانستان هیچ گاه پایگاهی

تداوم سیاست فعلی در برابر ایران در

دولت آتی یکی از مصداق های شعار

انتخاباتی « تحول و تداوم » من است.

سیاست خارجی که حامد کرزی تا

به امروز تعقیب کرده است سیاستی

است که از نگاه منطقه ای حایز اهمیت

فراوانی برای ما است

ما خواهان این هستیم که افغانستان مسیری برای باز شدن درهای بازارهای آسیای جنوبی برای ایران باشد. در حوزه دفع قاچاق هم ، تمام نقاط عبوری فعلی که به شکل غیررسمی مورد استفاده قرار می گیرند باید به بنادر رسمی تبدیل شود.

مساله عمده ای که ما باید در آن اشتراک مساعی داشته و به برنامه ای هماهنگ در منطقه برای مهار آن دست پیدا کنیم از میان بردن تولید مواد مخدر و قاچاق این مواد است. ایران یکی از عمده ترین مصرف کنندگان مواد مخدر است و میلیاردها دلار از این مساله زیان می بیند. در عین حال ایران یکی از عمده ترین وارد کنندگان مواد غذایی در دنیا است و



© Photo: Reza Asgari

بنابراین ما برای مہار این تهدیدها به همکاری های مشترک فرامرزی احتیاج داریم. ما امیدواریم که در چارچوب همکاری های منطقه ای، ایران همکاری های بسیار نزدیک با افغانستان داشته باشد.

برنامه شما برای مہار جریان افراط و مشخصا طالبان در افغانستان چیست؟ به نظر می رسد که بخش هایی از حاکمیت در پاکستان از طالبان حمایت می کنند، برای مبارزه با این مساله چه برنامه ای دارید؟

همانطور که گفتیم هدف ما صلح پایدار است. صلح سه بعد دارد. بعد ملی، منطقه ای و بین المللی. در بعد ملی کوشش ما بر این پایه استوار است که ریشه تمام ناراضیاتی ها کشف و مورد توجه قرار گیرد.

در بعد منطقه ای این مساله مصداق مداخله در حاکمیت ملی است و ما طرفدار همکاری اساسی با دولت پاکستان هستیم البته این همکاری باید میان دو دولت صورت بگیرد. بنابراین شرایط ما در خصوص صلح تغییر کرده است و دولت پاکستان هم به این نتیجه رسیده است که جریان افراط خطری است که خود اسلام آباد را هم تهدید می کند.

در این چارچوب باز هم همکاری میان تمام قدرت های منطقه ای بخصوص ایران برای ایجاد شرایطی که در آن همگان به این نتیجه رسیده باشند که ثبات و صلح هر یک از ممالک لازم و ملزوم ثبات و صلح دیگری و کل منطقه است، مورد نیاز است. ما برای تامین این هدف هم تلاش های بسیاری خواهیم کرد.

ما به دنبال این هستیم که در توافقنامه ای دراز مدت بر سر فروش مواد زراعتی خود به ایران با این کشور به توافق رسیده و در قسمت از بین بردن مواد مخدر هم جدی ترین همکاری را با تهران داشته باشیم. ایران در این بخش کاملا جدی است و البته نقش سایر ممالک منطقه ای در مہار این بحران بسیار کم رنگ تر است.

مساله دیگر هم محیط زیست است. تغییرات جوی تهدیدی مشترک برای هر دو مملکت است. بنابراین در خصوص حوادث طبیعی ما نیاز به همکاری های بی نهایت گسترده برای به ثمر رسیدن سیاست های خود داریم.

بحث مهاجرین افغانی که در ایران مشغول به کار هستند نیز مساله دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. این مهاجران از منظر اقتصادی کارهایی را انجام می دهند که اکثریت ایرانی ها حاضر به انجام آن نیستند. بر اساس موافقتنامه های بین المللی و بر اساس یک برنامه منسجم باید در خصوص مهاجران اقتصادی که ایران به آن نیاز مبرم دارد گفتگوی جدی داشته باشیم. حقوق و جایگاه این مهاجران باید مشخص باشد و مساله بازگشت آنها هم باید سوژه اقدام های منسجم و سرتاسری و اصولی قرار گیرد.

مساله مهم دیگر این است که ایران به عنوان یک دولت منسجم امروز با مسائل فرامرزی دست و پنجه نرم می کند و تهدیدهایی که امروز بالای جان ایران و افغانستان در منطقه شده است تهدیدهایی نیستند که در چارچوب یک سرحد بگنجند.



ژلمی رسول:

کابل و ابطه
متحداد با تهران
و واشنگتن را
مدیریت کرک



متر از یک هفته تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان زمان باقی مانده است. انتخاباتی که هیچ کس از فدای آن خبر ندارد. اگر در تمام کشورها انتخابات مولود دست به دست شدن دموکراتیک قدرت است در افغانستان مردم حتی از حضور در پای صندوق های رای هم واهمه دارند. طالبان درست مانند سال ۲۰۰۹، مخالفت خود را با برگزاری انتخابات اعلام کرده است و موج انفجارها و حملات انتحاری هم از هفته گذشته با حمله به هتل سرینا در نزدیکی ساختمان ارگ ریاست جمهوری آغاز شده است.

طالبانی که بیش از ۱۰ سال پیش با حمله نیروهای امریکایی و ناتو به افغانستان وادار به ترک قدرت شده بود همچنان سودای بارگشت به کرسی قدرت را در سر می پروراند. طالبان با رد قانون اساسی افغانستان که در سایه حضور نیروهای خارجی تهیه و تدوین شده بود اعلام کرده است که رئیس جمهور پس از انتخاب هم تنها چندماه فرصت دارد تا مقدمات دولت انتقالی را فراهم کند. ناامنی در حالی همچنان از داخل افغانستان، ثبات سیاسی و آرمش عمومی را نشانه رفته است که قفل مذاکره با طالبان از سوی هیچ کدام از کاندیداها، شاه کلیدی ندارد.

زلمی رسول که شعار انتخاباتی اعتدال، برابری و سازندگی را انتخاب کرده است در تیم انتخاباتی خود احمد ضیا مسعود برادر احمد شاه مسعود فقید را به عنوان معاون اول خود انتخاب کرده و در میان سه کاندید اصلی تنها کاندیدی است که پست معاونت دوم خود را به زنی از هزاره های افغانستان واگذار کرده است. وی دوران ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان استقلال که توسط فرانسه در کابل پایه گذاری شده بود، گذراند و در رشته پزشکی از دانشگاه پاریس در فرانسه مدرک دکتر گرفت.

ریاست دفتر محمد ظاهر شاه سابق در رم، وزیر هوانوردی ملکی و توریسیم در اداره موقت و مشاور امنیت ملی افغانستان از سال ۱۳۸۲ در زمره مسئولیت های وی بوده است. وی به زبان های پشتو، دری، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی و عربی آشنایی کامل دارد. وی در دی ماه ۱۳۸۸، به جای دکتر سپنتا به عنوان وزیر امور خارجه افغانستان پیشنهاد و توانست رای اعتماد را هم بگیرد. به نظر می رسد که در گوی رقابت های انتخاباتی افغانستان، او مورد حمایت دولت حامد کرزی است و بسیاری از تحلیلگران مسائل افغانستان اعتقاد دارند که کناره گیری عبدالقیوم کرزی برادر رئیس جمهور هم به میزان مقبولیت زلمی رسول کمک بیشتری کرده است.

با اینهمه در تازه ترین نظرسنجی های انجام گرفته او نفر سوم و پس از اشرف غنی احمدزی و عبدالله عبدالله

که سکوهای اول و دوم میان آنها در حال جابه جایی مداوم است، قرار دارد. به نظر می رسد که در صورت بهبود امری وضعیت اشرف غنی احمدزی، برخی از ریش سفیدهای عالم سیاست در افغانستان تلاش کنند تا ائتلافی را میان دکتر عبدالله عبدالله و دکتر زلمی رسول برای مهار شانس اشرف غنی احمدزی ایجاد کنند. زلمی رسول در گفتگوی اختصاصی با دیپلماسی ایرانی تاکید می کند که این اشتباهات غرب در مهار اتحاد جماهیر شوروی سابق بود که منجر به زاد و ولد طالبان شده و پس از آن هم حمایت های پاکستان از طالبان در مقطعی پس از حمله نیروهای امریکایی به افغانستان و سپس جنگ عراق منجر به قدرت گرفتن این گروه شبه نظامی شد. متن این گفتگو به شرح زیر است:

بیش از ۱۳ سال از حضور نیروهای خارجی در افغانستان و ۱۲ سال از ریاست جمهوری حامد کرزی می گذرد با اینهمه هنوز این کشور با بحران امنیتی دست و پنجه نرم می کند. ریشه های این بحران از نظر شما به عنوان کاندید انتخابات ریاست جمهوری چیست: توانمندی طالبان؟ حمایت نیروهای خارجی از طالبان و یا ضعف دولت در تامین امنیت؟

ابتدا باید تاکید کنم که شکل بحران امنیتی در افغانستان تغییر کرده است. ۱۳ سال پیش، پس از حمله نیروهای امریکایی و ناتو به افغانستان و خروج طالبان از حاکمیت، تا اندازه ای در سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ ما با برقراری امنیت نسبی روبه رو بودیم. این رویه تا دو سال پس از حمله ادامه داشت تا زمانی که طالبان با تجدید قوا در پاکستان و سازماندهی مجدد به افغانستان بازگشتند. با بازگشت طالبان، بحران امنیتی در مناطقی که به شکل کامل در اختیار طالبان قرار داشت به چشم دیده می شد و در حقیقت ما شاهد جنگ در برابر یک قدرت بودیم.

در حال حاضر تامین امنیت اکثریت نقاط در افغانستان در اختیار دولت این کشور است. اما بحران امنیتی امروز ریشه در حملات چریکی، عملیات های انتحاری، بمب گذاری های هدفمند و ترور افراد دارد.

در پاسخ به سوال شما در خصوص ریشه های این بحران باید به چند موضوع اشاره کنم. نخست آنکه روزگاری بود که ما به دوستان خود تذکر می دادیم که مرکز این ناآرامی ها و ناامنی ها در پاکستان است و اطلاعات دقیقی در اختیار ما دال بر جمع آوری، تعلیم و تربیت و تجهیز نیروهای طالبان در پاکستان در اختیار ما بود.

هدف ما از این اطلاع رسانی به متحدانمان این بود که آنها با اعمال فشار بر دولت پاکستان، مانع از انتقال نیروهای طالبان به افغانستان و دمیدن بیشتر در آتش ناامنی ها

آن و حمایت اصلی از آن در خارج از افغانستان صورت می گیرد.

با توجه به اشاره شما به حمایت هایی که از طالبان در پاکستان صورت می گیرد منشا این حمایت ها را در ارتش پاکستان می دانید یا دولت و یا شاخه اطلاعاتی دیگری وجود دارد که قابل مهار توسط ارتش و دولت نیست؟ چرا دولت افغانستان در این ۱۲ سال به تفاهمی با دولت پاکستان برای مهار طالبان نرسیده است؟

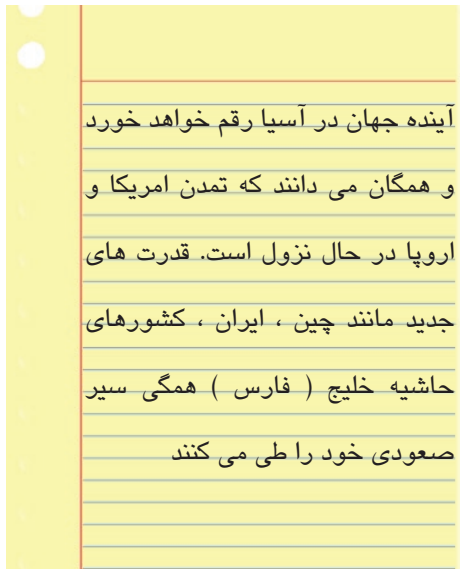
البته اوضاع در پاکستان هم به نسبت ۱۰ سال پیش، تفاوت های کرده است. ۱۰ سال پیش طالبان کاملا در اختیار پاکستان بوده و توسط ارتش و اطلاعات این کشور حمایت می شدند. این مساله امری پوشیده بر هیچ کس نیست و همگان از آن اطلاع دارند. همین جا باید تاکید کنم که اگر حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در ایالات متحده رخ نداده بود، پاکستان تقریبا افغانستان را اشغال کرده بود. احمدشاه مسعود که آخرین جبهه مقاومت در افغانستان را در اختیار داشت در تاریخ نهم سپتامبر شهید شد و بنابراین آن مقاومت حداقلی هم از بین رفتنی بود و پاکستان به راحتی در استانه احاطه بر افغانستان بود.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حضور قدرت های بین المللی در افغانستان و شکست طالبان باز هم پاکستان دست از حمایت از این گروه برنداشت و به دنبال فرصت مناسبی برای احیای طالبان در افغانستان بود. پس از شکست اتحاد جماهیر شوروی سابق در افغانستان بود که پاکستان به چشم عمق استراتژیک خود به افغانستان نگاه کرده و به دنبال اشغال و یا اعمال نفوذ شدید بر این کشور بود. با اینهمه آنچه که در تمام این سالها ما به دوستان پاکستانی خود هم یادآوری می کردیم این بود که طرفداری از طالبان و تروریسم نمی تواند جریانی یکطرفه باشد و یک روز فرا می رسد که همین جریان، بالای جان خود پاکستان هم خواهد شد. این در حالی بود که پاکستان گمان می کرد که با مجهز کردن طالبان و گسیل دادن آنها به داخل افغانستان از هرگونه دزدی از جانب این گروه در امان خواهد بود.

امروز شرایط امنیتی پاکستان با امکانات، ارتش و قدرتی که در اختیار دارد تفاوت های فاحشی کرده و به شکل نسبی باید تاکید کنم که شرایط امنیتی در پاکستان از افغانستان نابسامان تر است. ما شاهد انفجارها و کشتارهای روزانه در شهرهای متفاوت پاکستان از کراچی و پشاور تا اسلام آباد هستیم. امروز نیروهایی که پاکستان خود تربیت کرده بود به تیر به خودی تبدیل شده اند. امید ما این است که با روی کار آمدن دولت جدید، وضعیت در پاکستان هم تغییر کند.

در کشورمان شوند. در آن زمان، متحدان ما با رد اطلاعاتی که در اختیار داشتیم پاکستان را دوست خود و متحد خویش در مبارزه با تروریسم خواندند. این غفلت همگانی از یارگیری های طالبان در پاکستان، به نفع این گروه تمام شد. البته قوای امنیتی ما هم در آن بازه زمانی در مناطق فوق بسیار ضعیف بود و ما قادر به مهار این جریان به تنهایی نبودیم.

دومین دلیل در این مساله ریشه دارد که درست زمانی که ما نیاز به احیای قوای امنیتی خود پس از فروپاشی طالبان داشتیم، جنگ در عراق آغاز شد و توجه ناتو و امریکا به سمت عراق معطوف شد. بدین ترتیب افغانستان در درجه دوم اولویت قرار گرفت. در این بازه زمانی ما از کمک هایی که برای ساختن ارتش، نیروهای امنیتی و قوای خود به آن نیاز داشتیم، محروم ماندیم. جنگ عراق در حقیقت زمان لازم برای احیا را به طالبان و طرفداران



آنها بخشید. سومین مساله این است که هنوز هم طالبان مورد حمایت بخش هایی از حاکمیت در پاکستان قرار می گیرند. در شرایطی که کمک های لجستیکی و پناهگاه های امن در داخل خاک پاکستان برای طالبان وجود نداشت، افغانستان می توانست به راه حلی برای مهار فعالیت های طالبان در این سال ها دست پیدا کند. بنابراین نامنی در افغانستان تنها در مسائل داخلی ریشه ندارد. این نامنی در افغانستان وجود دارد اما منشا

به گمان من حکومت نواز شریف به خوبی شرایط جدید پاکستان از مناظر اقتصادی، اجتماعی و امنیتی را درک می کند. الویت نخست نواز شریف بهبود اوضاع اقتصادی در پاکستان است و بهبود اوضاع امنیتی پیش نیاز ارتقای اقتصادی این کشور است. از سوی دیگر اوضاع امنیتی هم در پاکستان زمانی بهبود می یابد که اوضاع امنیتی در افغانستان ارتقا پیدا کرده باشد. امروز پیوستگی میان امنیت افغانستان و پاکستان بوجود آمده است که ده سال پیش وجود نداشت. با این اوصاف ما امیدوار هستیم که پاکستان نه به خاطر افغانستان که به دلیل تأمین امنیت خود به این نتیجه منطقی رسیده باشد که همکاری صادقانه با افغانستان برای مقابله مشترک با تروریسم ضروری است.

در حال حاضر تفاهم شکل گرفته میان طالبان پاکستان و افغانستان، بیش از آنکه افغانستان را تهدید کند زنگ ها را برای پاکستان به صدا در آورده است چرا که از نظر قومی هر دو به یک قوم تعلق دارند. در حال حاضر پاکستان به دنبال برگزاری جلسات صلح با طالبان این کشور است و ما امیدواریم که اسلام اباد آنها را به پای میز مذاکره نشستن با دولت کابل هم راضی کند چرا که صلح به شکل یکطرفه ممکن نیست.

عملکرد طالبان را می توانیم نمونه بارزی از افراط گرایی در منطقه بدانیم. به نظر شما مطالبه واقعی طالبان چیست؟ آیا این گروه نماینده یک قوم و یا تفکر در افغانستان هستند و یا گروهی بی سرزمین هستند که می تواند امروز در افغانستان و فردا در کشوری چون سوریه مطالبه های خود را دنبال کند؟

افغانستان امروز یک شبه بوجود نیامده است. کشوری است با قدمت چند هزار ساله و تازه مسلمان هم نیست. اسلام جاری در افغانستان همواره با میانه روی و اعتدال همراه بوده است. این بدان معنا است که فرهنگ اسلامی مردم در افغانستان

طرفدار اسلام معتدل است. از سوی دیگر، کمترین میزان اختلاف میان مذاهب در منطقه در افغانستان است. به عنوان مثال اختلاف میان شیعه و سنی در افغانستان همواره به نسبت سایر کشورهای منطقه بسیار ناچیز بوده است. فرهنگ تفکر تشدد اسلامی زاده جنگی است که با اتحاد جماهیر شوروی سابق داشتیم.

قدرت های غربی که در این جنگ پشت سر نیروهای جهادی افغانستان بودند گمان می کردند که تنها تعبیری افراط گونه از اسلام می تواند به جدال با کمونیست بپردازد. در همان زمان هم بیشترین کمک ها از سوی غرب به گروه های جهادی افراط گرا در افغانستان شد و نه شاخه های معتدل تر از جهادپون. بر اساس تئوری کمربند سبز برژینسکی، در مقابل کمونیست باید تعبیری افراط گونه از اسلام را روی کار آورد.

در نهایت اتحاد جماهیر شوروی سابق در افغانستان شکست خورد اما پدیده ای که ساخته و پرداخته دست غرب بود همچنان به قوت خود باقی ماند. این پدیده البته تغییر شکل داده و نسل جدیدی که در مدارس تندروها در پاکستان آموزش دیده بودند به طرز تفکری که مخالف اسلام میانه رو بود، پیوستند. پاکستان هم پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق از این مساله به عنوان یک ابزار در خدمت خود استفاده کرد تا بتواند قدرت خود

را در افغانستان متمرکزتر از پیش کند. در نهایت طالبان با این ادعا که افغانستان را از یک جنگ داخلی نجات خواهند داد به روی کار آمده و مورد استقبال مردم قرار گرفتند. اما پس از روی کار آمدن طالبان، این گروه به هیچ کدام از وعده هایی که داده بودند جامه عمل نپوشاندند.

مشکلی که امروز جهان اسلام با آن دست و پنجه نرم می کند این است که روحانیونی که در مدارس مروج افراط درس خوانده اند در راس برخی امور قرار گرفته اند. این طیف هسته اصلی اسلام را که بر مبنای میانه روی و صلح است به افراط تبدیل کرده اند. نتیجه این تفکر هم تنها در



© Photo: Reza Asgari

افغانستان به چشم دیده نمی شود بلکه در سوریه و عراق هم شاهد رواج این تندروها هستیم. برای مقابله با این تفکر تنها افغانستان نیست که باید دست به کار شود بلکه به همکاری کشورهای اسلامی نیاز است تا ابتدا اسلام نجات پیدا کند. کلید اصلی مبارزه با این روند هم در همکاری صادقانه میان افغانستان و پاکستان است.

در صورت پیروزی در انتخابات نخستین دغدغه شما که تبدیل به نخستین اولویت هم در عرصه سیاست داخلی خواهد شد، چیست؟

اصلی ترین مطالبه مردم افغانستان در حال حاضر به دو مساله بنیادی محدود می شود: مقابله با فساد اداری که در حال حاضر به اوج خود رسیده است و دیگری هم حکومت داری سالم تر است. حکومت داری که در آن حکومت خادم مردم باشد و عدالت اجتماعی که بر اساس آن مردم به حقوق خود دست یابند. امنیت هم یکی دیگر از دغدغه های مردم است که به دلایلی که در بالا گفتم مساله ای نیست که در بازه زمانی کوتاه مدت قابل تامین باشد.

اما مقابله با فساد اداری، حکومتداری سالم تر و عدالت اجتماعی و اشتغال زایی از اصلی ترین مطالبه هایی است که باید به آنها پرداخته شود. پیش از این در تاریخ افغانستان ۷ تا ۸ میلیون کودک به مدرسه نمی رفتند اما امروز ما همین رقم کودک را داریم که در حال آموزش هستند و ۳۰ تا ۳۵ درصد از این تعداد را دختران تشکیل می دهند.

در حال حاضر ما شاهد فارغ التحصیلی سالانه هزاران نفر از دانشجویان از دانشگاه های مختلف افغانستان هستیم و همین مساله بحران اشتغال زایی را بوجود می آورد. مساله اینجاست که حکومت نمی تواند به تنهایی در این خصوص وارد عمل شود و به سرمایه گذاری های خصوصی نیاز دارد.

سوال اینجاست که ما چگونه می توانیم این سرمایه گذاری های خصوصی را در افغانستان راه اندازی و حمایت کنیم؟ ما باید قوانین خود را به شکلی تغییر دهیم که راه برای سرمایه گذاری های داخلی و خارجی در افغانستان باز شود و در نتیجه بتوانیم در کوتاه مدت به اشتغال زایی برای جوانان بپردازیم.

دومین مساله این است که ما باید پروژه های کلان زیربنایی خود را آغاز کنیم. پروژه هایی مانند سد سازی، احداث خطوط راه آهن و مسیرهای ترانزیت. این پروژه ها می توانند در بازه زمانی متوسط تولید اشتغال کرده و به نوعی در درآمدت هم زیربنای افغانستان را بسازند. افغانستان هم از نظر زراعتی و هم از منظر معادن طبیعی بسیار غنی است و نقطه اتصال میان آسیای مرکزی

و جنوبی هم به حساب می آید. آرزوی من این است که افغانستان اندک اندک مستقل شده و ده سال دیگر ما برای امرار امور خود به کمک های خارجی محتاج نباشیم. ما باید با استقلال در بخش های زراعتی اقدام به صادرات کالاهای خوراکی خود کنیم و همزمان در حوزه های تامین انرژی و استخراج از معادن هم به خودکفایی برسیم.

شما در زمره طرفداران امضای پیمان امنیتی با امریکا هستید. چالش ها و فرصت های امضای این پیمان نامه برای افغانستان چه خواهد بود؟

اصلی ترین مساله مدنظر در خصوص این پرونده این است که چه تعداد نیروی خارجی در افغانستان پس از امضای این پیمان نامه باقی خواهد ماند؟ در ده سال گذشته ۱۵۰ هزار نیروی امریکایی در افغانستان بوده است. در صورت امضای این پیمان نامه، حداکثر نیروهای باقی مانده در افغانستان حدود ۸ تا ۱۰ هزار نفر خواهد بود. این رقم بسیار ناچیز است.

دومین مساله این است که کمک هایی که به افغانستان می شود چه از نظر کمک های امنیتی و چه از نقطه نظر کمک های اقتصادی وابسته به امضای این پیمان نامه امنیتی مشترک است. در حال حاضر بیشترین کمک دهند به افغانستان، ایالات متحده است.

ما در کنفرانس شیکاگو از ناتو و ایساف تعهد گرفتیم که به مدت ۱۰ سال این نهادها، ۱، ۲ میلیارد دلار سالانه برای تامین و تجهیز ارتش و پلیس افغانستان هزینه کنند. اگر این پیمان نامه امنیتی امضا نشود چه کسی این رقم را سالانه در اختیار افغانستان قرار خواهد داد؟

ما باید با این مساله به شکل منطقی برخورد کنیم. حقیقت این است که هیچ کشوری تمایل به حضور نیروهای خارجی در خاک خود ندارد اما ما در حال حاضر با محدودیت هایی روبه رو هستیم که امضای این پیمان نامه را ناگزیر می کند.

نگاهی به متن این پیمان نامه نشان می دهد که ما هم تضمین هایی را از امریکایی ها گرفته ایم. تضمین هایی که در آن به حق حاکمیت افغانستان، آزادی این کشور، عدم وجود زندان ها با زندانبانی امریکا، عدم صدور مجوز برای حمله امریکایی ها به منازل مردم صریحا اعتراف شده است.

از این پس ۸۰ درصد از مسئولیت های امریکا در افغانستان به تجهیز و تربیت ارتش افغانستان محدود خواهد شد. در صورت عدم امضای این پیمان نامه و قطع کمک های ناتو و امریکا به افغانستان، ارتش و پلیس ما نه از تجهیزات کافی برخوردار خواهند بود و نه از تعلیم های ضروری. در این صورت طالبان برنده میدان خواهد شد.



© Photo: Reza Asgari

افغانستان هم رژیم سلطنتی زمام امور را در دست داشت یک سفر رسمی میان مقام های دو کشور بیشتر صورت نگرفت. تنها یک بار شاه ایران زمانی که رابطه میان اسلام آباد و کابل بسیار متشنج بود به افغانستان سفر کرد و نقش میانجی را میان دو کشور باز کرد. یک بار هم شاه سابق افغانستان در مسیر بازگشت از اروپا به کابل در میانه راه سفری کوتاه به تهران داشت. اما در یک دهه گذشته به طور متوسط ماهانه یک مقام ایرانی به افغانستان سفر می کند و یا یکی از مقام های افغان به تهران می آیند. با وجود حضور ۱۵۰ هزار سرباز بیگانه در افغانستان، کابل در حوزه سیاست خارجی بسیار مستقل عمل کرده است.

البته سخنان حامد کرزی در خصوص این پیمان نامه هم از منطق قابل توجهی برخوردار است. امریکایی ها به دنبال این هستند که با امضای این قرارداد جنگ افغانستان را پایان یافته اعلام کرده و به برقراری صلح در این کشور می اندیشند. مردم افغانستان هم خواهان ادامه این جنگ در یک دهه آتی نیستند.

اولویت شما در حوزه سیاست خارجی چه مسائلی را شامل می شود؟ آیا منطقه گرایی بخشی از استراتژی های شما در حوزه دیپلماسی خواهد بود؟
 بله. من به دنبال برقراری بهترین رابطه با همسایگان هستم. این ارتباط به نفع افغانستان است. ما با

زیربناهای اقتصادی خود را احیا کنیم و این روند هم بر اساس کمک های مالی توکیو با رقم ۱۶ میلیارد دلار در ۸ سال آینده است که ممکن خواهد بود. مساله اینجاست که کشورهای کمک کننده به ما به امریکا بسیار نزدیک هستند و در شرایطی که پیمان نامه امنیتی با امریکا امضا نشود، این کشورها هم پای خود را بیرون خواهند کشید. عدم ادامه این کمک ها از سوی متحدان و یا نزدیکان به امریکا می تواند به سقوط اقتصادی ما منجر شود. آیا کشوری خارج از این گردونه هستند که بتوانند ۳۰ میلیارد دلار در اختیار ما قرار دهند؟ به نظر من که پاسخ به این پرسش منفی است.

آنچه که هنگام تدوین متن پیمان نامه همکاری امنیتی مشترک بسیار بر آن تاکید شده و در نهایت هم مدنظر قرار گرفت این بود که حضور نیروهای امنیتی بیگانه در خاک افغانستان نباید تهدیدی برای همسایگان و قدرت های منطقه ای باشد.

در ده سال گذشته که ۱۵۰ تا ۱۵۰ هزار سرباز خارجی در افغانستان حضور داشتند و رابطه ایران با امریکا هم مناسب نبود ما شاهد تاثیر منفی حضور نیروهای امریکایی در افغانستان بر امنیت ایران نبوده ایم. افغانستان در یک دهه گذشته نزدیک ترین روابط را با جمهوری اسلامی ایران داشته است. زمانی که در ایران، پهلوی در راس قدرت بود و در

جمهوری اسلامی ایران رابطه بسیار نزدیک داشته و از مشکلات مرزی با تهران هم خبری نیست. مسائلی نظیر مهاجران افغان حاضر در ایران هم قابل حل است و ما امیدواریم که با بهبود اوضاع اقتصادی در افغانستان، شرایط بازگشت مهاجران هم فراهم شود. البته ما از دولت ایران خواسته ایم که به حقوق مهاجران ما هم احترام بگذارد و در این خصوص هماهنگی ها لازم هم صورت گرفته است.

در حال حاضر رابطه سیاسی میان تهران و کابل در بالاترین حد خود است و ما به دنبال این هستیم که دو کشور رابطه اقتصادی مناسبی هم با یکدیگر پیدا کنند. حقیقت این است که آینده جهان در آسیا رقم خواهد خورد و همگان می دانند که تمدن امریکا و اروپا در حال نزول است. قدرت های جدید مانند چین، ایران، کشورهای حاشیه خلیج فارس) همگی سیر صعودی خود را طی می کنند.

اصلی ترین چالش ما در حوزه سیاست خارجی، ایجاد رابطه صادقانه با پاکستان است و حقیقت هم این است که کابل تمام تلاش خود را در این راستا کرده است. رابطه افغانستان با کشورهای شمالی هم بسیار خوب است.

هند چه جایگاهی در دولت شما خواهد داشت؟

رابطه ما در حال حاضر هم با دهلی نو بسیار خوب است و این استراتژی ادامه هم خواهد داشت.

رقابت سنتی میان هند و پاکستان در آینده نمی تواند به چالشی برای افغانستان تبدیل شود؟

افغانستان کشوری آزاد است که می تواند نوع رابطه با کشورهای مد نظرش را به شکل مستقل تعیین کند اما ما هم به دولت هند و هم به دولت اسلام آباد اطمینان داده ایم که رابطه ما با یک کشور به ضرر کشور دیگر تمام نخواهد شد.

پاکستان هم در حال حاضر رابطه خود را با هند دارد اما این مساله را هم باید در نظر داشت که هندوستان در زمره کشورهای کمک کننده مالی به افغانستان نیست اما در بسیاری از پروژه های زیربنایی به افغانستان کمک کرده است.

هند برنامه ای برای سرمایه گذاری کلان در معادن افغانستان دارد و قرار است با کمک هند خطوط راه آهنی ایجاد شود که ما را به چابهار ایران برساند و بر این اساس چابهار می تواند بندر صادراتی و وارداتی کلان برای افغانستان شود.

عربستان کشوری اسلامی است با اکثریت مسلمان. با اینهمه در ۱۳ سال گذشته به آن اندازه که

کشورهای اروپایی به افغانستان کمک مالی کرده اند ما شاهد چنین کمکی های از سوی کشورهای عربی - اسلامی نبوده ایم. شما سابقه حضور در وزارت خارجه افغانستان را هم در کارنامه خود دارید. نگاه کشورهای عربی بخصوص عربستان به افغانستان به چه شکل است؟

در دوران حکمرانی طالبان، کشورهای عربستان و امارات این حاکمیت را به رسمیت شناخته بودند. ارزی شخصی من این است که در صورت راهیابی به ارگ ریاست جمهوری، رابطه افغانستان با کشورهای اسلامی را توسعه بیشتری ببخشم. سرمایه گذاری کشورهای اسلامی در افغانستان به خیر این کشور است.

آیا میان سفرهای متعدد مقام های عربستان به پاکستان و آینده رابطه کابل - ریاض ارتباطی می بینید؟

در این خصوص باید بگویم که نواز شریف رابطه بسیار نزدیکی با عربستان سعودی دارد. من گمان نمی کنم که این سفرها ارتباطی به افغانستان داشته باشد و یا تاثیری بر ما بگذارد. همانطور که افغانستان در سیاست خارجی خود به دنبال ایجاد توازن است در خصوص رابطه با کشورهای اسلامی هم به دنبال چنین مساله ای هستیم.

رابطه کابل و ریاض در سطح عالی است یا متوسط؟

می توانم بگویم که رابطه ما خوب است.

آیا احتمال دارد که بنا بر ضرورت و نیاز سیاسی افغانستان حاضر به ائتلاف سیاسی با یکی از کاندیداهای مطرح شوید؟

(با خنده) من با پیوستن یک کاندید به خود موافق هستم. اما جدا از شوخی مساله اینجاست که در این انتخابات هر کاندیدی که پیروز میدان شود باید از حضور دیگر کاندیدها در دولت خود استقبال کند. نمی توان یک قومیت و یا یک جریان سیاسی را در افغانستان امروز، دور از قدرت نگاه داشت.

در افغانستان احزاب سیاسی وجود ندارد و اشخاص هستند که باید با یکدیگر ائتلاف کنند. من در کابینه مدنظر خود، نماینده ای از تمام قومیت ها را گنجانده ام. به عنوان مثال معاون اول من احمد ضیا مسعود برادر شاه احمد شاه مسعود است و معاون دوم هم خانم حبیبیه سرابی از قوم هزاره.

اما در خصوص ائتلاف با یکی از کاندیدها باید بگویم که میان هیچ کدام از کاندیدها در خصوص آینده افغانستان اختلاف نظر اساسی و کلانی وجود ندارد.





عبداللہ عبداللہ:

مردم تکرارِ تقالب را تحمل
نخواهند کرد



وسترهای انتخاباتی، مناظره های داغ تلویزیونی، وعده های رنگارنگ، هیاهوهای طرفداران هر کدام از کاندیداها در فضای مجازی و البته صدای بمب نشان از حال و هوای انتخاباتی در کشوری دارد که شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در آن نه چندان مسبوق به سابقه و نه چندان آسان است. با نزدیک شدن به شانزدهمین روز از ماه فروردین، طالبان نیز بر حجم حملات خود افزوده اند. افغانستان باز هم مانند سال ۲۰۰۹ در نوعی ترس، شک و بدبینی دست و پا می زند. ترس از حملات طالبانی که انتخابات را قبول ندارد و برای اثبات حضور خود به هرگونه خرابکاری از عملیات های انتحاری تا بمب گذاری های هدفمند دست می زند و تردید به روند انتخاباتی که می تواند مانند آخرین دور از انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده بوی تقلب هم از آن به مشام برسد.

شاید بتوان کلیدی ترین چهره این انتخابات را دکتر عبدالله عبدالله خواند. سیاستمداری که از کاریزمای کافی برای تکیه دادن بر کرسی ریاست جمهوری برخوردار است اما به دلیل آنکه مادرش به خانواده تاجیک های افغانستان تعلق دارد برخی برای او شانس کمتری قایل هستند. وی که خود را قربانی تقلب در انتخابات سال ۲۰۰۹ می داند و به همین دلیل هم از شرکت در دور دوم انتخابات فوق انصراف داده بود در گفتگوی اختصاصی که با او در منزلش در کابل داشتیم به صراحت اعلام کرد که مردم تکرار تقلب در این دور را هم تحمل نخواهند کرد. او در سایه شعار انتخاباتی «اصلاحات و همگرایی» به افغانستانی می اندیشد که زنان در آن نه تنها در متن قانون اساسی که در بطن جامعه هم به حقوق خود به شکل عینی دست یافته باشند.

عبدالله از پدری پشتون و مادری تاجیک است. پدرش سناتور انتصابی از استان قندهار در آخرین دور کار شورای ملی در زمان ظاهر شاه بود. وی دانش اموخته رشته پزشکی در دانشگاه کابل است و از سال ۱۳۶۴ در جبهه های جنگ شمال کار در بخش های پزشکی را دنبال کرد. او خیلی زود در کنار افراد نزدیک به شاه مسعود فرمانده مشهور مجاهدین در پنجشیر قرار گرفته و اعتماد او را جلب کرد. عبدالله پس از پیروزی مجاهدین و تشکیل دولت موقت (۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵) زمانی که مسعود وزیر دفاع بود؛ در مقام رئیس دفتر و سخنگوی وی مشغول به کار بود. در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ که دولت به رهبری برهان الدین ربانی به دلیل تسلط طالبان بر کابل در شمال کشور مستقر بود، عبدالله معاون و سرپرست وزارت امور خارجه بود.

دکتر عبدالله نقش قابل توجهی در کنفرانس بن ۱ داشت و بر اساس موافقتنامه بن به عنوان وزیر امور خارجه اداره موقت تحت رهبری حامد کرزی تعیین و همین عنوان را در دولت انتقالی هم حفظ کرد. پس از سال ۱۳۸۳،

عبدالله در کابینه دولت منتخب حامد کرزی حضور نداشته و از کارهای رسمی کنار گذاشته شد. در این دور از انتخابات هم نام او در بسیاری از نظرسنجی های انجام گرفته در سکوی نخست است اما با توجه به شعارهای اقتصادی اشرف غنی احمدزی به نظر می رسد که احتمال کشیده شدن انتخابات به دور دوم بسیار بالا باشد. بسیاری از تحلیل گران مسایل افغانستان اعتقاد دارند که نزدیکی مواضع دکتر عبدالله عبدالله به زلمی رسول در مقایسه با اشرف غنی احمدزی می تواند احتمال تشکیل گرفتن ائتلافی با حضور این دو را بالاتر ببرد اما ظاهر امر حاکی از این است که هیچ کدام از این دو کاندید که خود را وزنه ای بالاتر از دیگری در عالم سیاست افغانستان می داند، حاضر به چنین ائتلافی نباشند.

پس از سقوط طالبان با تغییرات ایجاد شده در قانون اساسی افغانستان، حقوق چشمگیری برای زنان افغان تعیین شده است اما عملا در حوزه اجتماعی می بینیم که نسبت فعالیت زنان در سطح جامعه به نسبت کشورهای منطقه بسیار ناچیز است. در شرایطی که شما رئیس جمهور افغانستان شوید چه برنامه ای برای ارتقای جایگاه زنان در جامعه سنتی افغانستان دارید؟

تحول های رخ داده در افغانستان در حوزه زنان پس از فروپاشی حاکمیت طالبان چشمگیر است اما متأسفانه در چند سال اخیر افزایش ضریب نامنی، ابهام در وضعیت مذاکره با طالبان و در نگاه کلان تر نامنی کلی در افغانستان بر فعالیت زنان نیز سایه انداخته است. در نتیجه این شرایط جامعه افغانستان هم روز به روز به سمت محافظه کاری بیشتری در خصوص حضور زنان پیش رفته است. بنابراین این مسئله که ما عقب گرد نسبی در دو یا سه سال اخیر در حوزه فعالیت زنان داشته ایم، درست است و به هیچ وجه مبالغه آمیز نیست.

با اینهمه باید تاکید کنم که آنچه که تا ۱۳ سال پیش اصلا در افغانستان معنا نداشت امروز عملی شده است. می بینیم که با وجود امار همچنان بالای بی سوادی در برخی روستاهای دور افتاده اما در همین روستاهای زنان به حقوق خود آگاهی دارند. در پاسخ دقیق تر به سوال شما باید عرض کنم که مسئله اعتقاد سیاسی و باور به این ارزش ها و حقوق زنان در تحقق بیشتر این امر از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. در افغانستان همواره همه چیز تحت تاثیر بازی های سیاسی بوده و حتی این باورها و ارزش ها هم در بازده های زمانی متفاوت متاثر از شرایط سیاسی بوده است.

مهم ترین مساله ای که باید در نظر گرفت تعیین برنامه های کوتاه، میان و بلند مدت برای تقویت نقش زنان در جامعه

است. در برنامه های میان و بلند مدت، مهم ترین مساله تعلیم نه تنها زنان که مردان هم است تا تفکر حاکم بر جامعه تغییر کند. امروز در افغانستان رقم مرگ و میر مادران در افغانستان بالاترین رقم در دنیا است هرچند در سالهای اخیر در این حوزه هم پیشرفت هایی در افغانستان داشته ایم. مساله مشارکت سیاسی زنان در حقیقت سمبلیک بوده است و متأسفانه باید بگوئیم که زنانی هم که موقعیت مناسبی داشته اند از این موقعیت نه از منظر یک تعهد و التزام که از منظر بهره برداری شخصی استفاده کرده اند. به عنوان نمونه رقابت میان زنانی که در پارلمان برای خود شانی در نظر داشتند منجر به عدم تصویب قانون منع خشونت شد و در نتیجه یکی قهرمان عدم تصویب قانون منع خشونت شد و یک نفر هم در مقابل او قرار گرفت .



© Photo: Reza Asgari

این در حالی بود که هرکدام از این افراد موافق و مخالف تصویب این قانون به طرز تفکرهای متفاوتی که در جامعه موجود است تعلق دارند. علاوه بر این، نقش وزارت زنان انچنان که پیش بینی می شد و مورد توقع بود پیش نرفت. در زمینه های اقتصادی هم مجال برای کار زنان وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. بحث اعتیاد زنان به مواد مخدر ، زنان زندانی و زنان معلول هم در جامعه افغانستان بسیار

پررنگ است که باید مورد توجه قرار گیرد. یکی دیگر از مسائلی که باید مورد توجه قرار گیرد لزوم وجود مشاوران حقوقی در دادگاه برای زنان است چرا که زمانی که زنی از همسر خود شکایت می کند قاضی دادگاه هم یک مرد است که می تواند در صدور حکم، جنیست یکسان خود و طرف دعوی را مد نظر قرار دهد. همانطور که شما هم گفتید قانون راه را برای برخورداری زنان از حقوق مساوی با مردان هموار کرده است اما آنچه که مهم است تطبیق این قوانین با زندگی روزمره در جامعه است که هنوز به طور کامل محقق نشده و به یک اراده سیاسی نیاز دارد.

بخش عمده ای از ناامنی امروز در افغانستان درست مانند تمام یک دهه گذشته مولود فعالیت های طالبان است. چه نقشی برای طالبان در افغانستان امروز قایل هستید و آیا به نظر شما طالبان می تواند با کنار گذاشتن فعالیت های شبه نظامی ، جذب بدنه سیاسی افغانستان شود؟

در پاسخ به سوال شما باید بگویم که در فضای فعلی طالبان امکان کنار گذاشتن فعالیت های شبه نظامی و پیوستن به بدنه سیاسی کشور را ندارد. طالبان همچنان اعتقاد دارد که توانایی ساقط کردن دولت را از طریق توسل به خشونت و نظامی گری دارد.

آیا چنین توانایی دارند؟

طالبان چنین اعتقادی دارند اما به نظر من قادر به این مساله نیستند. مساله دیگر هم این است که امروز جنگ میان امارت اسلامی و جمهوری اسلامی در افغانستان است. امارت اسلامی تعبیری است که آنها از نظام و حکومت داشته و به تعیین امیر المومنینی که از طریق یک شورا انتخاب شده و مادام العمر است، اعتقاد دارند . طالبان به اصل جمهوریت از پایه و اساس اعتقادی ندارند. مساله دیگر این است که طالبان می توانند از هر کشوری در دنیا باشند و امارت اسلامی هم مرز و حدودی نداشته و می تواند هر سرزمینی جز افغانستان باشد. علاوه بر این دو مساله ، تعبیر بسیار افراطی و خشکی که طالبان از دین دارند هم به خودی خود مساله پررنگی است . حمایتی هم که از طالبان در پاکستان صورت می گیرد را نباید فراموش کرد.

مسائل دیگری که نمی توان از آن به عنوان عامل شکل گیری طالبان نام برد اما به نوعی به فرایند بقای آنها کمک هم کرده است عدم توجه به خواست مردم است . حقیقت این است که اگر ۲۰ هزار نفر در افغانستان به عنوان حامی طالبان و یا عضو این گروه فعالیت می کنند، مابقی مردم که ۲۷ میلیون نفر هستند خواهان برقراری صلح در کشورشان هستند اما این مساله مورد توجه قرار نگرفته است . به عنوان نمونه در انتخابات گذشته ریاست جمهوری با

از روستاهای دورافتاده درخواست هایی برای تاسیس مکاتب و مدارس می رسد در آنها هم از تعلیم دختران و هم از آموزش پسران سخن به میان آمده است .

این تحولی است که نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت. این مساله که والدین حتی در دورافتاده ترین مناطق افغانستان هم به این نتیجه رسیده اند که دختران آنها هم باید به مدرسه بروند ، از اساس رد تفکر طالبانی است که مخالف حضور زنان و دختران در جامعه است. با اینهمه برخی از تفکر طالبان در خصوص مسایل شرعی و دینی در میان برخی از مردم افغانستان هرچند در مناطق دورافتاده مقبولیت هایی دارد. مساله دیگر این است که در برخی مناطق افغانستان ، حضور نیروهای خارجی منجر به تلفات انسانی شده و ناراضیاتی مردم را به همراه داشته است. بی عدالتی های اجتماعی و محرومیت ها در برخی مناطق می تواند در صورت نبود هیچ گزینه دیگری مردم را به فکر بازگشت حکومت طالبان و بهتر بودن شرایط زندگی در سایه آنها بیندازد. اما از منظر در نظر گرفتن اکثریت ، من گمان نمی کنم که در هیچ کجای افغانستان مردم به شکل اکثریت خواهان بازگشت طالبان باشند.

چه کانهایی را برای مذاکره با طالبان مطلوب می دانید؟ آیا مذاکره دولت مرکزی با طالبان جواب خواهد داد و یا حضور یک واسطه خارجی الزامی است ؟

اصل مذاکره باید میان خود افغان ها صورت بگیرد. همزمان گفتگوی مداوم و دیپلماسی فعال با پاکستان می تواند به روند مذاکره با طالبان کمک کند. متأسفانه تا به امروز که این مذاکرات ره به جایی نبرده است.

در این میان آمریکا چه نقشی می تواند ایفا کند؟ به نظر می رسد که آمریکا پس از ۱۳ سال حضور نظامی در افغانستان ، طالبان را دشمنی قابل مذاکره می داند و از حذف طالبان با توسل به قدرت نظامی ناامید شده است.

امریکا می تواند نقش تسهیل کننده را بازی کند. امریکا نمی تواند در این مذاکرات نقش تعیین کننده داشته باشد. امروز در پروسه مذاکره با طالبان دیگر عوامل جز امریکا و فضای حاکم بر مذاکرات می تواند تعیین کننده باشد که یکی از اصلی ترین آنها پاکستان است.

اصلی ترین دغدغه دکتر عبدالله در حوزه سیاست داخلی چیست ؟

حاکمیت قانون اساسی، اصلی ترین مساله است. در حال حاضر افغانستان به شکل همزمان دو انتقال را تجربه می کند. یکی انتقال سیاسی و دیگری انتقال امنیتی و نظامی.

تقلب گسترده ای که صورت گرفت بهانه به دست طالبان داده شد که دموکراسی مد نظری را که با تخلف به دست می آید ، مورد تمسخر قرار دهند. عدم توجه به قانون اساسی ، تخلف های اداری و نبود عدالت اجتماعی می تواند به عاملی برای توجیه تخلف های طالبان توسط خود آنها تبدیل شود. عدم باور داشتن به رهبری نظام و نهادها اعم از اداری و ارتشی و نامشخص بودن برنامه های صلح از دیگر عوامل تشدید کننده این مساله است برخی از مردم از این واهمه دارند که در لوای برنامه صلح ، با بازگشت طالبان مواجه شوند. ترس از بازگشت طالبان و فعالیت های امروز این گروه حتی بر مساله فعالیت زنان که شما به آن اشاره کردید هم تاثیر گذاشته است.

چه راهکارهایی برای کم رنگ شدن نقش طالبان در افغانستان پیشنهاد می کنید؟

این مساله در دراز مدت ، مبارزه ای مداوم است که باید در داخل با این گروه صورت بگیرد و البته افغانستان در این میدان با نقش کشورهای منطقه ای در حمایت از طالبان هم روبه روست است که باید با این مساله هم به شکل موازی مبارزه کند. در دراز مدت مطلوب ترین حالت، برگزاری انتخاباتی سالم با حمایت مردمی است که به کاستن از فاصله اجتماعی میان مردم منتهی شود. دولتی باید مولود این انتخابات باشد که اعتماد همه و یا اکثریت مردم افغانستان را جلب کند. این موفقیت های سیاسی می تواند گروه های جنگ طلب را در انزوا قرار دهد. در شرایطی که دولت آتی در افغانستان بتواند مشکل با پاکستان را حل و فصل کند، حمایتی که از این گروه از جانب اسلام آباد می شود قطع خواهد شد.

در دراز مدت طالبان باید این منطق را ببپذیرند که افکار آنها متعلق به خودشان است و برای رسیدن به ایده آل خود به مبارزه سیاسی روی آورند. ترک خشونت و عدم ارتباط با گروه های تروریستی هم از دیگر مسائلی است که طالبان باید در گذر زمان و با در انزوا قرار گرفتن به آن دست یابند. مساله اینجاست که ما امروز تا این ایده آل هایی که در خصوص طالبان گفتم بسیار فاصله داریم. در این میان کاری که ما می توانیم انجام دهیم جذب افرادی از گردونه طالبان است که از سیاست های این گروه به ستوه آمده ، از جنگ خسته شده و یا به واقعیت ها پی برده اند.

افغانستان تنها کابل ، مزار شریف و دیگر کلان شهرها نیست. آیا مردم در مناطقی که با محرومیت های بیشتری دست و پنجه نرم می کند به طالبان گرایش عمومی هم دارند؟

بله. باید بگویم که برخی از جنبه های تفکری طالبان در برخی از روستاهای افغانستان مقبولیت هم دارد. البته تحولی که در این خصوص صورت گرفته این است که زمانی که

این بدان معنا است که به زودی حضور نیروهای بین المللی در افغانستان به حداقل خواهد رسید. در حال حاضر ما با کمبود کمک های بین المللی مواجه هستیم و رقم کمک هایی هم که صورت می گیرد به شکل قابل ملاحظه ای کاهش یافته است. این بحران بر مسائل اقتصادی و امنیتی تاثیرگذار است. پس از حاکمیت قانون باید به مساله تامین امنیت و بهبود وضعیت معیشتی مردم هم فکر کرد. این مسائل اولویت های کاری هر دولتی را که در راس هرم قدرت در افغانستان قرار بگیرد، تشکیل خواهد داد. البته چالش های پیش روی در این خصوص بسیار زیاد است.

متاسفانه اصلی ترین مشکل ما وجود

پایگاه های تعلیم طالبان در خاک

پاکستان است. تا به امروز ما نتوانسته

ایم گام مثبتی در این خصوص و حل

این جریان برداریم.

امروز با مشکلات کمتری روبه رو بودیم. البته منظور من شرایط کلی حاکم بر افغانستان است. به عنوان مثال اگر مردم آمادگی روحی بیشتری برای همزیستی مسالمت آمیز در کنار هم داشتند و از کمک هایی که در حوزه امنیتی و نظامی به افغانستان شد خوب استفاده شده بود ، شاید امروز در موقعیت بهتری قرار داشتیم. بنابراین ما فرصت هایی طلایی در افغانستان را از دست داده ایم. اما در پاسخ به سوال شما باید بگویم که حضور نیروهای بین المللی در افغانستان از منظر امنیتی هم یک ضرورت است. نهادهای نظامی ما اعم از پلیس تا ارتش و سازمان اطلاعات افغانستان هنوز به حد خودکفایی کامل نرسیده است. مساله دیگر این است که اگر ما پیمان نامه امنیتی با امریکا را امضا نکنیم گزینه دوم و جایگزینی برای افغانستان وجود ندارد تا بتوانیم با آن کمک هایی که از سوی ایالات متحده ، اروپا و جامعه بین المللی می شود را جبران کنیم.

از لحاظ اقتصادی هم باید بگویم که همزمان با کاهش تعداد نیروهای نظامی خارجی در افغانستان در چند ماه گذشته ، کمک های اقتصادی هم سیر نزولی خود را طی کرده است. تا زمانی که افغانستان بتواند بر درآمدهای داخلی خود متکی شود ، سالهای سال فاصله داریم و بنابراین در بازه زمانی طولانی مدت افغانستان همچنان به کمک های خارجی متکی باقی خواهد ماند. بنابراین هم نیاز امنیتی و هم نیاز مالی ، ادامه حضور نیروهای خارجی در افغانستان را توجیه می کند.

بنابراین از نظر شما این پیمان امنیتی تماما فرصت است و افغانستان با امضای این پیمان نامه با هیچ چالشی روبه رو نخواهد شد ؟

خیر. حضور نیروهای بین المللی در یک سرزمین همواره با چالش هایی روبه رو است . آنگونه که در سال ۲۰۰۱ از حضور نیروهای خارجی در افغانستان استقبال شد دیگر امروز این حضور مورد استقبال عمومی قرار نمی گیرد. در ۱۳ سال گذشته بسیاری از فرصت ها از میان رفته است. به عنوان نمونه من به مساله تلفات انسانی ناشی از حملات امریکایی ها در این سالها اشاره کردم. در نتیجه این عملکردها دیگر آن روحیه عمومی استقبال از امریکایی ها وجود ندارد. ادامه حضور نیروهای خارجی در افغانستان برای طالبان هم بهانه دیگری برای تداوم حملات و مخالف هایشان است. این در حالی است که حتی پیش از حضور نیروهای امریکایی و خارجی در افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی هم طالبان همین فعالیت های خرابکارانه را در افغانستان دنبال می کرد. ادامه حضور نیروهای بین المللی بدون بهبود اوضاع امنیتی ، سوال های فراوانی را برای مردم افغانستان ایجاد کرده است .

اما در مقام سبک و سنگین کردن این هزینه ها و فرصت

فاصله سالانه میان هزینه ها و درآمدهای کشور بسیار زیاد است. دولت به سالانه ۸ میلیارد دلار نیاز دارد و این در حالی است که ما هنوز رشد اقتصادی بالا را هدف قرار داده ایم. جلب مساعدت ها و سرمایه گذاری های بین المللی نیز در زمره اولویت های کاری من خواهد بود.

یکی از جنجالی ترین بحث های اخیر در چند ماه گذشته میان امریکا و افغانستان ، امضای پیمان امنیتی میان دو کشور است. با توجه به اینکه شما از موافقان امضای این پیمان نامه هستید، آیا نیاز مالی افغانستان به کمک های خارجی است که این حضور نظامی را هم توجیه می کند؟

در ابتدا باید بگویم که اگر از کمک های مالی که تا به امروز افغانستان شده است استفاده بهتری شده بود، شاید ما

ها متوجه می شویم که نیاز ما به حضور نیروهای خارجی بر بی نیازی ما غلبه می کند. چالش دیگری که این مساله برای ما ایجاد می کند ایجاد تنش در رابطه میان ما و همسایگان ما است که باید مدیریت شود.

با توجه به سابقه حضور شما در وزارت امور خارجه افغانستان برای باز کردن گره هزار سر رابطه با پاکستان چه برنامه ای دارید؟ همانطور که شما هم در صحبت های خود به آن اشاره کردید پاکستان به نوعی در حمایت از طالبان نقش دارد و برای مهار این جریان چه راهکارهایی پیشنهاد می کنید؟

متأسفانه اصلی ترین مشکل ما وجود پایگاه های تعلیم طالبان در خاک پاکستان است. تا به امروز ما نتوانسته ایم گام مثبتی در این خصوص و حل این جریان برداریم. از سوی دیگر پاکستان هم به این نتیجه نرسیده است که نباید از طالبان به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف خود در حوزه سیاست خارجی و یا تأمین امنیت ملی خود استفاده کند.

این در حالی است که اکثریت افکار عمومی در پاکستان به این نتیجه رسیده اند که طالبان یک تهدید برای امنیت ملی این کشور است اما در خصوص طالبان افغانستان هنوز هم نهادهایی وجود دارند که گمان می کنند این گروه می توانند ابزاری برای تحقق اهدافشان باشند. در این پرونده هنوز از تغییری به شکل اساسی رونمایی نشده است.

افغانستان می تواند با اعتمادسازی در زمینه هایی که برای گسترش روابط فراهم است، گامی به سمت جلو در تنش زدایی از رابطه با پاکستان بردارد. همزمان توسل به گفتگوی مداوم و دیپلماسی فعال که چندان هم با سر و صدا همراه نباشد می تواند تسهیل کننده روابط دوجانبه باشد.

متأسفانه در افغانستان در چند سال اخیر تعادلی در موضع گیری ها نسبت به کشورهای متفاوت وجود نداشته است. یک روز ادعا می شود که افغانستان و پاکستان برادرهای دوقلو هستند و روز دیگر گفته می شود که این دو کشور دشمنان مادرزادی هم هستند. این تعابیر هیچ کدام با توجه به پیشینه روابط دو کشور و مشکلات ریشه دار مصداق عینی ندارد.

این در حالی است که با رفع این مشکلات با توجه به ضرورت های اقتصادی، منطقه ای، امنیتی دو کشور می توانند همکاری های گسترده ای با یکدیگر داشته باشند. افغانستان و پاکستان با توجه به مشکلات انرژی که در هر دو کشور وجود دارد می توانند با همکاری های دو جانبه این دغدغه مشترک را رفع کنند.

در گام دیگری هم می تواند نوعی از همکاری مسالمت آمیز را با پاکستان تعریف کرد که بر اساس آن پاکستان برای پیشبرد منافع مشروع خود در افغانستان به ابزار طالبان نیازی نداشته باشد.

اسلام آباد باید به این نتیجه گیری برسد که اگر طالبان



افغانستان قوی تر شوند طالبان در پاکستان هم قدرتمندتر از پیش خواهند شد. امروز اسلام آباد به این نتیجه رسیده است که طالبان پاکستان تهدیدی برای امنیت ملی این کشور است. اما گام دوم که قطع رابطه با طالبان افغانستان است هنوز محقق نشده و راه طولانی را برای تحقق آن پیش رو داریم.

افغانستان در ده سال گذشته به نوعی متحد استراتژیک غیرناتویی امریکا محسوب شده و این در حالی است که این کشور مرز مشترک هم با ایران دارد. به نظر می رسد که دولت فعلی توانسته است تا حدودی رابطه خود با ایران را حفظ کند و در عین حال هم رابطه همزمان با تهران و واشنگتن به تنش در کابل منتهی نشده است. با اینهمه هنوز پنجره های همکاری بسیاری میان دو کشور بازمانده است. در شرایطی که شما به ارگ ریاست جمهوری راه پیدا کنید، جایگاه ایران در حوزه سیاست خارجی شما چگونه خواهد بود؟

ایران به عنوان یک کشور همسایه، به عنوان همسایه ای که در سه دهه گذشته در بحران های متفاوت از جمله دوره های جهاد و مقاومت در کنار ما بوده و در کنفرانس بن هم یکی از کشورهایی بود که نقش اساسی را ایفا کرد و در سالهای گذشته در روند بازسازی افغانستان هم کمک های شایانی کرده است، جایگاه خاصی را در حوزه سیاست خارجی ما به خود اختصاص خواهد داد. به نظر من با روی کارآمدن یک دولت جدید در افغانستان، فرصت های بیشتری هم برای همکاری میان تهران - کابل فراهم خواهد شد.

حضور پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان یکی از دغدغه های کشورهای همسایه افغانستان است. برای

رفع این نگرانی ها چه خواهید کرد؟

افغانستان می تواند با برخی اقدام های اعتمادساز بخشی از این نگرانی را از میان بردارد. اما بخش دیگری از این نگرانی هم به روابط میان کشورهای منطقه با هم و روابط آنها با کشورهای فرامنطقه ای بازمی گردد.

در بخش دوم کار چندانی از افغانستان بر نمی آید. در بخش هایی از پیمان نامه امنیتی، امریکا تعهد داده است که از خاک افغانستان علیه کشورهای همسایه استفاده نکند. نکته ای که اینجا باید مدنظر داشت این است که دولتی که اعتبار و مقبولیت و مشورعت داخلی داشته باشد می تواند در سطح بین المللی و در تعامل با سایر کشورها هم این اعتبار را برای خود فراهم کند.

متأسفانه در این خصوص در سالهای گذشته اعتبار دولت افغانستان در سطح بین المللی صدمه دیده است. یک تعادل و نسخه کلی برای نحوه تعامل با دیگر کشورها

در این سالها در دستور کار تمام نهادهای دولتی وجود نداشته است. اگر در حوزه سیاست خارجی به این چنددستگی ها پایان داده شود و کشور در مسیر صحیح قرار گیرد، می توانیم به تقویت فضای اعتماد میان کشورهای منطقه امیدوار باشیم.

انصراف شما از شرکت در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان در سال ۲۰۰۹ به خاطره سیاسی نه چندان خوشایندی در ذهن مردم افغانستان تبدیل شده است. چه ضمانتی وجود دارد که در این دور از انتخابات، تقلبی که شما داعیه دار رخداد آن در آن سال بودید، تکرار نشود؟

حقیقت این است که تضمینی برای عدم تکرار این تقلب وجود نداشته و حتی تشویش هایی هم در این خصوص به قوت خود باقی است. باید تاکید کنم که تکرار تقلب گذشته و یا گسترده تر از آن در این دور از انتخابات از سوی مردم دیگر تحمل نخواهد شد.

بر همین اساس امیدوار هستم که افرادی که می توانند مانع از بروز این تقلب شوند از مسئولیت خطیری که بر دوش آنها گذاشته شده است، غافل نشوند. نهادهایی چون کمیسیون مستقل انتخابات، کمیسیون بررسی شکایات انتخاباتی و یا حکومت افغانستان همگی باید دست در دست هم مانع از بروز تقلب شوند.

اگر تقلب گسترده ای صورت بگیرد احتمال شکل گیری یک بحران هم وجود خواهد داشت. البته من بنای کار را بر خوش بینی می گذارم و تا جایی که امکان داشته باشد مانع از شکل گیری تقلب خواهیم شد. امیدواریم که افغانستان از این مرحله هم به سلامت عبور کند و قدمی در راه تقویب مردم سالاری و حاکمیت قانون باشد.

به نظر شما نیروهای داخلی یا قدرت های خارجی کدام یک در شکل گیری تقلب مورد ادعا در انتخابات سال ۲۰۰۹ نقش داشتند؟

من فکر نمی کنم که در تقلب در انتخابات گذشته نیروهای خارجی و یا قدرت های بین المللی به شکل مستقیم دست داشتند. اما آنها نتیجه انتخابات را قبول کردند و من هم به نشانه اعتراض از شرکت در دور دوم انصراف دادم. حقیقت این است که در انتخابات گذشته آقای کرزی نتوانست ۵۰ درصد مدنظر قانون اساسی افغانستان را به دست آورد.

بیشترین میزان تقلب در مناطقی صورت گرفت که امن نبودند و در برخی از حوزه هایی که اصلا رای گیری صورت نگرفته بود، تعداد آرا گزارش داده شد. جامعه بین المللی هم مسئولیت داشت اما بیشترین مسئولیت بر عهده افرادی در داخل بود که این تقلب را به نفع یک کاندید مدیریت کردند.

سردبیر آژانس خبری پژواک در گفتگو با دیپلماسی ایرانی

انتقاد از دولت و افشای تقلب های انتخاباتی آزاد است



© Photo: Reza Asgari

خبرگزاری پژواک بود. همکاری از جنس خودت. مردان و زنانی که به رقص قلم در میان انگشتانشان با وجود تمام محدودیت ها و حصارهای کشیده شده می بالند. خبرنگارانی که می دانند گاه بهای نوشتن و افشاگری، مرگ است اما همچنان کاغذها را سیاه می کنند تا آینده ای سپید برای هموطنانشان رقم بزنند. آژانس خبری پژواک که سابقه فعالیت آن به ۱۰ سال پیش بازمی گردد در روزهای متولد شد که هنوز نوشتن مانند امروز در افغانستان رسم نبود و حتی مردمان این کشور برای خواندن گزارش های یک روزنامه نگار در فضای مجازی نه آمادگی فردی داشته و نه امکاناتی در اختیارشان بود. دانش کروخیل، سردبیر پژواک در گفتگویی صمیمانه با ما از مشکلات خبرنگار بودن در افغانستان می گوید. از سه همکاری که از دست داد و ده ها همکاری که مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. از انتقادهای بی پرده اما خیرخواهانه همکاری از عملکردهای دولت و از خبرنگارانی که می خواهند در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان چشم و گوش ملت باشند تا نام فرد راه یافته به ارگ ریاست جمهوری از درون صندوق های رای و نه از تصمیم سیاسیون در پشت پرده

لم به دست گرفتن در سرزمینی که مردان چند نسلش برای حفظ خاک وطن، سلاح در دست گرفته اند و زناش یا به جبر قدرت های بیگانه، چشمی به در دوخته بازگشت مرد مجاهد خود را انتظار کشیده اند و یا به جبر افراطیون از حضور در جامعه هم محروم مانده اند؛ کار آسانی نیست. جامعه افغانستان در حال پوست اندازی است. تکامل اجتماعی و سیاسی که هنوز هم بسیاری از مردمان این سرزمین برای آن جان می دهند، همچنان سیر صعودی خود را طی می کند. شاید گاه صدای یک بمب یا رد خونی بیگانه ریخته شده بر خیابان ترس را به جان نسلی می اندازد که حقش را از زندگی در وطن مطالبه می کند اما تاریخ مملو از خشونت و انتقام گیری این کشور حالا تبدیل به عبرتی برای جوانانی شده است که مشق دموکراسی می کنند. جوانانی که در ۱۳ سال گذشته فرصت حضور در دانشگاه ها را یافته اند و اموخته اند که می توانند با شرکت در پای صندوق های رای، اندک اندک مطالبه های سیاسی خود را با توسل به مدارا و نه زور دنبال کنند. شاید جذاب ترین بخش سفر به افغانستان بازدید از

، بیرون آید.

دانش کروخیل با بیان اینکه در افغانستان انتقاد مستند از دولت و سایر نهادها مجاز است تاکید می کند که آنچه در پژواک حرف نخست را می زند، تامین منافع ملی است و نه لحاظ کردن منافع فردی یک گروه و یا یک جریان.

آنچه در زیر می خوانید متن گفتگو با وی در محل خبرگزاری در کابل است :

ابتدا از تاریخچه پژواک برای ما بگوئید ؟ از چه زمانی آغاز به کار کردید و فعالیت های پژواک چه حوزه هایی را شامل می شود؟

آژانس خبری پژواک از سال ۱۳۸۳ آغاز به کار کرده است. ۱۲۰ کارمند در افغانستان داریم . ۴۰ خبرنگار در ولایت های مختلف افغانستان و در کابل هم ۱۰ خبرنگار داریم. در حال حاضر ۱۵ ویراستار برای زبان های پشتو ، دری و انگلیسی در پژواک مشغول به کار هستند. پژواک ۱۰ سرویس خبری دارد و نه تنها اخبار به سه زبان بر روی سایت قرار می گیرند بلکه سرویس های ویدئویی ، عکاسی و شبکه های اجتماعی هم در پژواک فعال هستند. البته تمرکز کار پژواک در سه زمینه بیشتر است که یکی از آنها معادن افغانستان است و برای این بخش یک وب سایت ویژه طراحی کرده ایم. هدف از تمرکز بر این زمینه هم معرفی سرمایه های ملی افغانستان به مردم است و در همین راستا هر شش ماه یک مجله تخصصی در خصوص معادن افغانستان منتشر می کنیم. در بخش انتخابات هم تخصصی عمل می کنیم و یک وب سایت ویژه داریم. برای انتخابات ۱۶ فرودین هم شبکه اجتماعی را ایجاد کرده ایم که ۵۰۰ نفر در افغانستان هدف این طرح ما هستند تا دیدگاه ها، نظریات و گزارش های خود را از انتخابات ، تقلب ها و تخلف ها در اختیار ما قرار دهند.

میزان اقبال عمومی به رسانه ای مجازی در افغانستان که هنوز با مشکل بی سودای بخش قابل توجهی از جامعه دست و پنجه نرم می کند و میزان دسترسی عامه مردم به اینترنت هم در آن آسان نیست، به چه شکل است؟

ما در این خصوص با دو مشکل روبه رو هستیم. نخستین مساله این است که در ۸ یا ۹ سال گذشته شبکه های مجازی در افغانستان با مشکل اینترنت ضعیف روبه رو بوده اند که در دو سال گذشته اندکی این مشکل رفع شده است. زمانی که مردم عادی نتوانستند با سیستم ۳g از طریق موبایل به اینترنت دست پیدا کنند، آمار مراجعه به پژواک هم سیر صعودی خود را طی کرد.

مشکل دوم این است که فرهنگ استفاده از شبکه های مجازی در افغانستان هنوز ایجاد نشده است . به عنوان نمونه زمانی که استفاده از شبکه های اجتماعی چون

فیسبوک رایج شد مردم گمان می کردند که هرآنچه که در این فضا نوشته می شود حقیقت دارد. در حال حاضر برخی نهادهای دولتی برای شناساندن این شبکه ها به مردم تلاش می کنند. جدا از این چالش ها باید بگویم که آژانس های خبری در چند سال گذشته توانسته اند جایگاهی برای خود در افغانستان تعریف کنند. در حال حاضر ۱۵ آژانس خبری در افغانستان مشغول به فعالیت هستند که بسیاری از رسانه های مکتوب ، تلویزیونی و رادیویی از آنها برای دریافت اخبار استفاده می کنند.

پژواک رسانه ای مستقل به حساب می آید یا جریان و یا فرد خاصی از سیاسیون حامی معنوی آن است؟ شورای سیاست گذاری پژواک ۱۰۰ در ۱۰۰ مستقل است. جلسات این شورا روزانه در همین محل برگزار می شود و در آن در خصوص مسائل عمده افغانستان بحث و صحبت می شود. خبرنگاران ما بر اساس قانون رسانه های همگانی در افغانستان و رعایت موازین اخلاقی و روزنامه نگاری ، از آزادی عمل کافی برخوردار هستند.

منابع مالی شما چگونه تامین می شود؟ آیا در این خصوص هم مستقل هستید یا کمک خاصی از منبعی خاص دریافت می کنید؟

از لحاظ مالی باید بگویم که ۷۵ درصد به استقلال مالی رسیده ایم اما برای تامین ۲۵ درصد دیگر نیاز مالی خود به کمک های بین المللی نیازمند هستیم. ما برای پوشش باز برخی پروژه ها از نهادهای بین المللی که به اصطلاح ما منابع مالی مشخص دارند کمک می گیریم. متأسفانه برخی کشورها در افغانستان از پول سیاه استفاده می کنند که منبع مشخصی ندارد و ما هم از این کشورها کمکی دریافت نمی کنیم. ما از کمک های مالی که برای تقویت رسانه ها در افغانستان تعیین شده ست استفاده می کنیم. پژواک در ده سال گذشته از کمک های مالی امریکا ، موسسه جامعه آزاد و اداره ای به نام توانمندی و مساعده هایی که به برخی پروژه های خاص تعلق می گیرد، استفاده کرده است.

ظاهراً دسترسی به اخبار پژواک با پرداخت آبونمان های مشخص ممکن است. رقم این حق اشتراک چقدر است ؟

همانطور که گفتیم ما به استقلال ۷۵ درصدی در حوزه تامین مالی پژواک رسیده ایم. برخی خدمات ما در حقیقت فروشی هستند و یکی از منابع مالی ما هم حق اشتراکی است که مراجعه کنندگان پرداخت می کنند. ما در افغانستان به ۱۲۷ رادیو ، سرویس های خود را می فروشیم. در حدود ۲۰ تلویزیون هم سرویس های ویدئویی ما را دریافت می کنند. ۲۰ روزنامه چاپی هم از اخبار ما



© Photo: Reza Asgari

؟

رقم ها متفاوت است اما رقم متوسط آن در حدود ۴۰۰ دلار است. اعضای شورای سیاست گذاری حدود ۱۰۰۰ دلار دریافت می کنند و خبرنگاری هم داریم که ۷۰۰ دلار حقوق می گیرد.

آیا پژواک در کشورهای منطقه و فرامنطقه ای هم نمایندگی فعال دارد؟

در چند کشور به طور مثال هندوستان ، پاکستان و امریکا نمایندگی داریم.

در ایران چطور ؟

ایران در این خصوص با ما همکاری نمی کند.

از چه نظر با شما همکاری نمی شود؟

مساله اینجاست که ما به دنبال این هستیم که در پژواک تنها مسائلی که به نوعی به افغانستان مرتبط است را پوشش دهیم. پژواک سرویس اخبار بین المللی ندارد و به دنبال آن هم نیست. تمرکز کار ما بر روی مسائل افغانستان است. بر این اساس ما به سیاست داخلی در ایران کاری نداریم که چه کسی رئیس جمهور می شود. اما اگر مهاجر ما در ایران به مشکلی برخورد می کند، پیگیری آن جز وظایف ما است. این استراتژی ما در پاکستان ، هند و امریکا هم پیاده می شود. ما از سال ۲۰۰۶ تلاش کردیم تا خبرنگاری از

استفاده می کنند. فردی که خواهان دسترسی به اخبار ما به شکل روزانه باشد ماهانه ۲۰ دلار باید پرداخت کند.

البته در خصوص دسترسی این فرد هم محدودیت هایی وجود دارد و به عنوان مثال امروز می تواند اخبار تا یک هفته قبل را در سایت مطالعه کند و نه بیشتر. این رقم برای رسانه های ملی و داخلی متفاوت است. یک رسانه داخلی در افغانستان ماهانه ۱۰۰ دلار باید برای دسترسی به اخبار ما پرداخت کند. برای اداره های سیاسی و یا کنسول گری های خارجی نرخ اُبونمان ماهانه ۱۰۰ تا ۵۰۰ دلار وجود دارد.

به گفته شما ۱۲۰ کارمند در پژواک مشغول به کار هستند. مولفه های استخدامی شما در افغانستان چیست؟ آیا تحصیلات خبرنگار را در نظر می گیرید یا با خبرنگارهای تجربی هم کار می کنید؟

هم میزان تحصیلات آنها و هم تجربه کاری مد نظر ما در پژواک است. البته یکی از ویژگی های پژواک این است که تلاش می کند خبرنگاران بومی را آموزش دهد. حسن این کار این است که خبرنگارهای بومی با مشکلات منطقه و ولایت خود بیش از خبرنگاری که خارج از آن محیط است آشنایی دارند.

حقوق یک خبرنگار در افغانستان چند دلار است

پژواک را به ایران اعزام کنیم اما هنوز موفق نشده ایم. حتی سفارت ایران با یکی از خبرنگاران ما که خواهان صدور ویزای ۳ ماهه برای عیادت از یکی از بستگان خود در ایران بود، همکاری نکرد. دلیل این عدم همکاری را باید از سفارت ایران در افغانستان جویا شوید.

چه دلیلی برای مخالفت به شما اعلام شد؟

به ما دلیل واضحی گفته نشده است. اما مساله اینجاست که سایت پژواک مانند بی بی سی در ایران فیلتر است. البته این عدم وجود خبرنگار در ایران به این معنا نیست که ما اخبار این کشور را پوشش نمی دهیم. برخی خبرها را از هرات و برخی را از سفارت افغانستان در ایران پیگیری می کنیم. ایران و افغانستان فرصت های همکاری بسیاری با هم دارند و ما هم بسیار علاقه مند بودیم که با توجه به روابط اقتصادی و فرهنگی خوبی که با ایران داریم، زمینه های همکاری بیشتر را فراهم کنیم.

آیا انتقاد از سیاست های دولت و با سیاستمداران در راس دولت به راحتی و بدون هیچ گونه محدودیتی در پژواک صورت می گیرد؟

۱۰۰ درصد. پژواک به دو مساله در افغانستان شهرت دارد. نخستین مساله پوشش اخبار فوری است که بیشتر رسانه



© Photo: Reza Asgari

های افغانستان در این مورد به ما متکی هستند و دومین مساله هم این است که ما در گزارش های تخصصی که در مورد فساد اداری در افغانستان است، پیشرو هستیم. در بسیاری از این گزارش ها ما به صراحت تاکید کرده ایم که برخی از چهره های حکومتی در این فساد دست دارند. تنها رسانه ای که تحت فشار شدید از جانب حکومت است هم پژواک است. در این انتخابات هم یکی از هراس های بزرگ کاندیداها، شبکه گزارشی است که پژواک برای انتقال موارد تخلف و تقلب راه اندازی کرده است.

از کاندید خاصی در این انتخابات حمایت می کنید؟
خیر. ما از هیچ کاندید مشخصی حمایت نمی کنیم اما تلاش می کنیم تقلب و تخلف از جانب هر فردی که باشد ان را گزارش دهیم.

آیا تاکنون به دلیل انتقادهای خود از عملکرد دولت، تحت تعقیب قضایی هم قرار گرفته اید؟

بله. تاکنون چندین پرونده برای ما در دادستانی مطرح شده است که خوشبختانه در فرمان جدیدی که رئیس جمهور صادر کردند، تمام پرونده های قضایی علیه رسانه ها معاف از محاکمه شده و مشمول عفو قرار گرفتند. ما به دنبال انتقاد صرف از دولت، مجاهدین و با یک طیف و گروه خاص نیستیم اما زمانی که از عملکرد سیاف صحبت می کنیم مردم گمان می کنند که ما به جهاد و مجاهدین توهین می کنیم. در حالی که ما چنین نیتی نداریم. زمانی که ما از فساد، ظلم و امار بالای بیکاری صحبت می کنیم به این معنا نیست که ما به دنبال انتقاد بیپوده از حکومت هستیم اما این وظیفه ما به عنوان یک رسانه است.

آیا تا به حال خبرنگاری از پژواک به دلیل انتشار یک مطلب بازداشت شده است؟

ما سه خبرنگار خود را از دست داده ایم و این افراد قربانی شدند. ده ها خبرنگار ما مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و تعدادی از آنها هم در ولایت های متفاوت به زندان افتادند.

آیا این خبرنگاران پس از بازداشت، دادگاهی شده و حکم برای آنها صادر می شود؟

مساله ای که خبرنگاران پژواک به خوبی رعایت می کنند این است که هرگز انتقاد بدون سند و مدرک در سایت ما منتشر نمی شود. در بسیاری از موارد به این دلیل که اسناد در اختیار داریم می توانیم خبرنگار بازداشت شده را آزاد کنیم. پژواک به اندازه ای مستدل عمل می کند که مatakون حتی در یک مورد هم مجبور به عذرخواهی از شاکي نشده ایم.

شکریه پارکزی:

جدال با سنت زن ستیزی ادامه دارد





نان، قربانیان خاموش سالهای دست به دست شدن افغانستان میان قدرت های بیگانه، زنان، شهروندانی درجه دوم در سالهای حکومت مردان هم وطنی که زن را جز در خانه و به عنوان بخشی از اموال شخصی خود نمی خواستند. زنان، محرومانی که هنوز و با وجود گذشت ۱۳ سال از پایان کابوس حکومت طالبان با سنت های اشتباه و با برداشت های ناصواب از دین دست و پنجه نرم می کنند.

تقلای زنان برای دیده شدن، پدیده ای نیست که بتوانی در سفر به افغانستان آن را نادیده بگیری و ساده از کنار آن عبور کنی. نمی توان با رئیس جمهور افغانستان به گفت و گو نشست اما از زانی که سالهاست در میدان عمل برای احیای حقوق هم جنس خود می جنگند، هیچ نگفت.

نمی توان از مردی که خود را برنده انتخابات می داند در خصوص صلح در افغانستان سوال کرد اما برنامه اش برای اکثریتی در حال بیداری در افغانستان را جویا نشد. شکریه بارکزی که دو دوره نامش در میان نمایندگان کابل در مجلس افغانستان به ثبت رسیده و از زانی بوده که در جریان تدوین قانون اساسی افغانستان تلاش های فراوانی کرده است در

گفتگو با دیپلماسی ایرانی تاکید می کند که فعالان زن در افغانستان به دنبال این نیستند که از میان برداشته شدن چادری های آبی به عنوان حجاب اجباری در دوران طالبان را اصلی ترین هدف خود و دستاورد خویش بدانند.

وی با اشاره به سنت های اشتباهی که همچنان بر زندگی زنان در افغانستان سایه انداخته است می گوید: زمانی که در جامعه ای زندگی می کنیم که سالها زن بودن نه مایه افتخار که جرم بوده است، برای احیای حق خود راهی طولانی در پیش داریم. متن گفتگو با وی که در منزلش در کابل انجام شد به شرح زیر است:

وضعیت زنان در افغانستان و نه تنها کابل و شهرهای بزرگ پس از فروپاشی حاکمیت طالبان چه پیشرفت هایی داشته است؟

بدون شک تغییری که پس از پایان حکومت طالبان در افغانستان در حوزه زنان رخ داد، بسیار بنیادین و اساسی بوده است. در روزهای حاکمیت طالبان، زنان افغان به جرم زن بودن از هرگونه حق تعلیم و تحصیل و شرکت در فعالیت های اجتماعی محروم بودند. زن بودن جرم نیست و افتخار است اما در این کشور زنان به جرم اینکه زن بودند؛ محاکمه می شدند.

بدون شک رسوم و عاداتی که ما در افغانستان به آن گرفتار هستیم بسیار ناپسند و ضدزن است و در حقیقت معضلی است که باید حل شود اما این معضل در اندازه ای نیست که آنچه که ما در این ده سال به عنوان دستاورد به آن رسیده ایم را زیر سوال ببرد.

گفته می شود که در قانون اساسی که پس از حاکمیت طالبان نوشته شده است حقوق زنان به شکل کامل رعایت شده است. این حقوق چه مسایلی را شامل می شود؟

نخستین مساله ای که لحاظ شده است حق برابری میان زن و مرد در برابر قانون است که می توان از آن با عنوان امتیاز مساوی نام برد. اجازه دهید قانون اساسی افغانستان را با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان مقایسه کنیم.

به عنوان نمونه در قانون اساسی افغانستان گفته شده است که اگر اتباع افغانستان واجد شرایط مشخص شده باشند می توانند کاندید انتخابات ریاست جمهوری شوند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از کلمه «رجل» به عنوان فردی که می تواند کاندید انتخابات ریاست جمهوری شود، نام برده شده است. این کلمه تعبیر به این می شود که زنان نمی توانند در ایران کاندید انتخابات ریاست جمهوری باشند. این در حالی است که در قانون ما این حق برای زنان تعیین شده است و ما امیدوار هستیم که یک روز در افغانستان هم شاهد انتخاب یک زن به عنوان رئیس جمهور خود باشیم.

مهم ترین مساله ای که در قانون اساسی افغانستان به نفع زنان لحاظ شده است دیدگاه تبعیض مثبت است. در کشورهایی که روزهای پس از بحران را پشت سر می گذارند و جامعه ای بسیار سنتی به حساب می آید، تبعیض مثبت می تواند نخستین گامی باشد تا زنان را به سطحی از آگاهی برساند تا بتوانند با شرکت در فعالیت های اجتماعی قدرت و ظرفیت خود را برابر با مردان به نمایش بگذارند.

به عنوان مثال، حداقل ۲۵ درصد از کرسی های پارلمان و مجلس نمایندگان باید به زنان اختصاص داشته باشد. این بدان معنا است که زنان می توانند بیش از این ۲۵ درصد را هم در اختیار داشته باشند اما کف لازم و ضروری که باید لحاظ شود همین ۲۵ درصد است.

دستاورد دیگری که ما برای رسیدن به آن بسیار تلاش کردیم این بود که حکومت مسئولیت دارد در برابر رسوم و سنت هایی که بر خلاف اسلام است و به اسم دین در جامعه رایج شده است، مقابله کند. این بخش در ماده قانونی که در خصوص حمایت های دولت از زن و کودک است، درج شده است.

در ماده ۲۲ از برابری افراد بدون در نظر گرفتن هرگونه تبعیض از جمله تبعیض جنسیتی صحبت شده است. دولت مکلف شده است تا برابر افزایش ضریب سلامتی زنان دست به اقدام های لازم بزند. در قانون هم تضمین هایی برای مشارکت سیاسی زنان ارائه شده است.

این مسائل در زمره همان گام های اولیه ای است که به عنوان تبعیض مثبت در قانون اساسی افغانستان ذکر شده است.

شما از درج حقوق زنان در قانون اساسی افغانستان

سخن می گوید اما آیا ما شاهد تطبیق این مواد قانونی با لایه های عملی زندگی زنان در جامعه هم هستیم؟ آیا این قواننی اعمال هم می شود و با فقط نوشته شده است؟

در هیچ کشوری قانون اساسی به شکل مو به مو در جامعه اجرا نمی شود. مردم امریکا پس از ۲۰۰ سال توانستند یک رئیس جمهور سیاه پوست را بپذیرند و این در حالی بود که بر اساس قانون در امریکا در فردی از اتباع این کشور می تواند بدون در نظر گرفته شدن رنگ پوست ش به ریاست جمهوری هم برسد.

آنچه که در قانون اساسی یک کشور به عنوان خط مشی، ارزش ها و موارد مورد توافق عده ای نوشته و تصویب می شود در حقیقت دروازه ها برای پیشرفت عملی را در آینده باز می کند. اگر در امروز افغانستان حضور برابر زن و مرد در تمام عرصه ها به چالشی تبدیل شده است، امیدوار هستیم که ۲۵ سال بعد افغانستان دیگر با این معضل دست و پنجه نرم نکند. امیدواریم دو دهه دیگر افغانستان، کشوری باشد که در آن زنان و مردان برای ساختن جامعه ای مرفه احساس مسئولیت برابر کنند.

اگر اجازه بدهید از نگاه دولتی مد نظر شما در پاسخ به این پرسش فاصله بگیریم. سوال دقیق من این است که آیا آن نگاه زن ستیزی که در جامعه مرسوم بود در این یک دهه کمرنگ تر شده است یا خیر؟

من به همین دلیل مثال جامعه امریکا را آوردم. در امریکا ۲۰۰ سال طول کشید تا جامعه به این عقلانیت برسد که یک سیاه پوست هم می تواند رئیس جمهور شود. در افغانستان هم شاید به بازده زمانی ۲۰۰ ساله برای پذیرش برخی مسائل از سوی جامعه نیاز نباشد اما حداقل به ۵۰ سال گذر زمان نیاز داریم تا بتوانیم بحث جنیستی منطبق بر قانون و برابری بین انسانها را در عمل پیاده کنیم.

دید جامعه افغانستان همچنان سنتی است و شیوه ذهنیت هم مرد سالاری است. هنوز هم دشمن بزرگ زنان افغانستان متاسفانه رسوم و ادابی است که در بسیاری از موارد هم برخلاف دین است و هم برخلاف ارزش های انسانی.

کابل امروز ما از کابل ۴۰ سال پیش که زنان در آن از تمام حقوق اولیه برخوردار بودند بسیار فاصله گرفته است. هدف ما این است که این نگاه در جامعه غالب شود که دختر را نباید تنها در خانه و دور از جامعه نگاه داشت.

وضعیت تحصیلی زنان در افغانستان به چه شکل است؟

در این خصوص به مراتب شاهد رشد چشمگیری در این ده سال بوده ایم. ۳۸ درصد از حدود هفت و نیم میلیون کودکان افغانی که به مدرسه می روند، دختر هستند. جذب دختران پس از فراغت در امتحان کنکور، مثبت ده نمره است.

این بدان معناست که هرگاه یک پسر بتواند با نمره ۳۰۰ وارد دانشگاه شود در همان دانشگاه یک دختر می تواند با نمره ۲۹۰ وارد شود. یعنی برای دختران ۱۰ نمره امتیاز قایل شده



مجلس هستند. از منظر تحصیل زنانی که در مجلس هستند در موقعیت بهتری قرار دارند.

یکی از انتقادهای طالبان به همین قانون الزام حضور ۲۵ درصدی زنان از ۱۰۰ درصد نمایندگان مجلس است. طالبان اعتقاد دارد که زنان هم می توانند مانند مردان در انتخابات شرکت کنند و هر کدام که رای بیشتری آوردند به مجلس راه یابند.

بله این انتقاد وجود دارد اما چرا نباید این قانون باشد؟ ما در جامعه ای زندگی می کنیم که هم زن وجود دارد و هم مرد. اگر منظور حداقل رای است که در خصوص مردان هم این مساله مصداق دارد. ما نماینده مردی را داریم که با احراز ۳۰ هزار رای به مجلس راه یافته است و نماینده مرد دیگری هم داریم که با ۱۰ هزار رای بر کرسی پارلمان تکیه داده است. منطق تفاوت رای در هر پارلمان قابل پذیرش است. بحث دیگر این است که نگاه طالبان به زن کاملا واضح است. طالبان زمانی که بر افغانستان سیطره کامل داشت با زن کنار نیامد بنابراین کاملا طبیعی است که امروز هم با زن در جامعه افغانستان نسلزد. بر اساس تفکر طالبان ، زن تنها وسیله ای برای تولید بچه است و ماشین رختشویی و تمیز کاری.

اگر روزی طالبان با تغییر ساختار سیاسی و یا به جبر امنیتی به نوعی هرچند محدود به بدنه سیاسی افغانستان بازگردند، رویکرد این گروه با توجه به تغییر نگاه نسبی به زن در جامعه افغانستان در قبال زنان تغییری خواهد کرد؟

واقعیت های جامعه افغانستان نشان می دهد که دید مردم این کشور به زنان نافی چند بحث است . نخست آنکه مردم با روی کار آمدن مجدد طالبان کنار نخواهند آمد. طالبان می توانند مانند مجاهدین به عنوان بخشی از قدرت سیاسی و آنها هم از طریق صندوق رای و مشارکت سیاسی به قدرت بازگردند. بر این اساس آنها می توانند بخشی از سیستم سیاسی کشور باشند اما سیستم هرگز طالبانی نخواهد شد. اکثر دوستانی که امروز در دنیای سیاسی افغانستان مشغول هستند و به جهادپون تعلق داشتند در گذشته نظریاتی مشابه طالبان امروز نسبت به زنان داشتند. اما امروز می بینیم که همان افراد به عنوان همکاران من در مجلس نشسته اند و طرز تفکر قدیمی خود در خصوص زنان را یک اشتباه می دانند.

امروز این افراد به این نتیجه رسیده اند که معیار میزان ترقی یک جامعه به میزان پیشرفت زنان آن وابسته است. زمانی که یک مرد باسواد است شاید زن همراه خود را هم باسواد کند اما زمانی که یک زن باسواد می شود در حقیقت یک خانواده تعلیم می بیند.

میزان مشارکت زنان در انتخابات هایی که تاکنون

ایم. علاوه بر این زمانی که برای یک پست در اداره جات مراحل استخدامی طی می شود اگر یک زن و یک مرد شرایط کاملا برابر داشتند، حق اولویت با استخدام زن است. این نیز مشمول همان قاعده تبعیض مثبت است. این مساله نه تنها در قانون اساسی افغانستان که در مقررات بعدی هم که در رده های پایین تر تدوین می شود، لحاظ شده است. البته این بدان معنا نیست که زنان افغانستان از این حق باخبر هستند. این بدان معنا نیست که زنان در تمام استان ها از حق مشارکت مشابه برخوردار هستند. در شهرهای بزرگ زنان مشارکت بیشتری در فعالیت های اجتماعی دارند. این بدان معنا است که نه تنها زنان در شهرهای کوچک از بسیاری از خدمات محروم هستند بلکه عدم آگاهی آنها هم چالشی است که امیدوار هستیم با گذر زمان حل شود.

شما به عنوان نماینده زن مجلس افغانستان آیا هیچ گونه نهاد آموزشی برای آشناکردن زنان به حقوق آنها راه اندازی کرده اید؟

من از بنیان گذاران نهادهایی بودم که برای سوادآموزی زنان کار کرده ام. من از سال ۱۹۹۹ ، فعالیت خود را در این خصوص آغاز کردم. در حالی که هنوز طالبان بر افغانستان سیطره داشتند من فعالیت خود را از سوادآموزی دختران شروع کردم.

با وجود آنکه در آن زمان مکاتب تعطیل بود اما دخترانی که به هزار سختی آموزش دیدند توانستند در کنکور نمره های خوبی را به خود اختصاص دهند. امروز می بینیم که میزان بی سوادی در دختران و زنان در حال کاهش است و این نتیجه تلاش نهادهای دولتی و غیردولتی در افغانستان است.

من یکی از افرادی بودم که در نوشتن متن قانون اساسی افغانستان مشارکت داشتم و هنگام تدوین آن مشاخره ها و مناقشه های فراوانی هم بر سر مفاد آن داشتیم. در کنار این تلاش ها من بیشتر بر روی آموزش سیاسی زنان متمرکز بودم و برای رسیدن به نتیجه مطلوب هم از رسانه ای به عنوان آینه زن استفاده کردم که مدیر مسئول آن بودم و هم از طریق روزنامه ای به نام ترقی که صاحب امتیاز آن بودم.

یک خانم پس از احراز چه ویژگی هایی می تواند به مجلس افغانستان راه پیدا کند؟ آیا حداقل های تحصیلی مدنظر گرفته شده است؟

شرایطی که ما در قانون اساسی لحاظ کردیم در نهایت در قانون انتخابات هم به همان شکل قید شد و تغییری نکرد. این بدان معنا است که متاسفانه بحث تحصیل در زنان و مردانی که خود را برای شرکت در پارلمان کاندید می کنند مطرح نیست و این مساله یکی از مشکلات اساسی در مجلس است. اما خوشبختانه در پارلمان ما هیچ زن بی سوادی وجود ندارد. در مجلس این دوره ما مردان بی سواد کمتری نسبت به دوره قبل داریم اما به هر حال مردان بی سواد و کم سواد در

برگزار شده ، به چه میزان بوده است؟

خوشبختانه رای زنان در افغانستان سرنوشت ساز است و در انتخابات های برگزار شده مشارکت هم داشته اند. مشارکت زنان به دوشکل است. در یک مورد زنان با پای خود در کنار صندوق های رای حاضر می شوند و در حالت دوم کارت های رای که به نام زنان گرفته شده در حوزه های رای گیری متفاوت به نفع کاندیداهای مختلف نوشته و به صندوق انداخته می شود. در مورد اخر حق زنان باز هم نقض می شود و در بسیاری از موارد بزرگ یک خانواده یا بزرگ یک قوم کارت های زنان را جمع اوری کرده و نام کاندید مورد نظر خود را بر روی آن می نویسد.

هنوز آمار زنانی که در افغانستان قربانی خشونت های خانگی می شوند ، بسیار زیاد است. از نظر حقوق قضایی زنانی که قربانی این رفتارها می شوند چگونه می توانند شکایت های خود را پیگیری کنند؟

قوانین افغانستان گنجایش برخورد دوستانه نسبت به زنان را دارد. زنانی که قربانی خشونت می شوند چند مشکل اساسی دارند.

نخست آنکه از منظر سیستم عدلیه افغانستان همکاری آنچنانی که باید با این زنان صورت بگیرد، انجام نمی پذیرد. مساله خشونت به عنوان یک معضل اصلی همچنان در افغانستان رایج است. فساد گسترده مالی در اداره جات افغانستان باعث می شود که زنان در پیگیری شکایت های خود تا حد بسیاری موفق نشوند. مردانی که مرتکب خشونت خانگی می شوند یا فرار می کنند و یا رشوه می دهند و در نهایت هم از اتهام وارده تبرئه می شوند. در حال حاضر ما مجبور به تحمل این شرایط هستیم. زمانی که شما از جنس درجه سوم جامعه سربرون می کنید و فریاد می زنید که من هم انسان هستم ، راه زیادی را باید طی کنید. بدون شک ، خشونت در هر جامعه ای وجود داشته و دارد و این مساله ای است که کم و بیش در جوامع مختلف هم به چشم می خورد و در افغانستان هم این مساله هست. متاسفانه خشونت خانوادگی بدترین نوع خشونت است که هر سال بیشترین زنان افغانستان را قربانی خود می کند.

زنی که امروز مورد خشونت خانوادگی قرار گرفته است پس از مراجعه به مراحل قضایی چه پروسه هایی را باید طی کند؟

ابتدا باید شکایت خود را در اداره پلیس محل مطرح کند و پس از آن پرونده به دادستانی فرستاده می شود و در نهایت پس از بررسی های اولیه ، پرونده آنها به ارگان های قضایی ارجاع داده می شود. متاسفانه تا به امروز من شاهد موردی نبوده ام که حکم یک پرونده به نفع زنی که قربانی خشونت شده است صادر شود. موارد معدود رخ داده هم زمانی بوده که

موضوع پرونده رسانه ای شده است.

در ایران هنگام عقد ازدواج ، خانم ها می توانند حقوقی مشخص مانند حق طلاق ، حق تحصیل و یا تعیین مکان زندگی را از همسر خود بگیرند. آیا چنین حقی برای زنان افغان در قانون شما وجود دارد؟

من فکر می کنم از منظر تطبیق قوانین جمهوری اسلامی ایران بسیار پیشتاز است. در افغانستان ازدواج دختران و پسران زیر سن قانونی ازدواج اجباری ، عدم ثبت ازدواج ها و چندهمسری هم همگی از معضلات رایج است. در افغانستان عقد بیشتر به منزله یک شکل است تا محتوا و در بسیاری از موارد حتی مهریه ای هم برای زنان تعیین نمی شود و البته اگر تعیین شود پرداخت هم نمی شود.

خانم ها بر اساس قانون در چه شرایطی می توانند طلاق بگیرند؟

درخواست زنان برای طلاق تحت شرایط خاص مورد بررسی قرار می گیرد. هنگامی که مرد مشکلات روحی و فیزیکی دارد و یا نفقه پرداخت نمی کند و یا زن دیگر نمی خواهد به زندگی مشترک ادامه دهد.

در هر کدام از این حالت ها زن به راحتی می تواند طلاق بگیرد؟

خیر. زن از مهریه اش محروم می شود و البته باید بگویم که پروسه طلاق در افغانستان هنوز پذیرفته نشده است. حتی در محاکم افغانستان هم عمدا بررسی درخواست های طلاق زنان را چندین سال طول می دهند تا شاید شیرازه خانواده از هم پاشیده نشود و دو طرف مجددا بتوانند در کنار هم زندگی کنند. به همین دلیل است که در اکثر موارد مردم به مراجع رسمی برای ثبت طلاق مراجعه نمی کنند اما به شکل غیررسمی از هم جدا می شوند. در اینصورت هم مرد زندگی دیگری را شروع می کند و زن هم باید یا در کنار پدر خود و یا با برادر خود زندگی کند.

درخواست طلاق مردان سریعا بررسی و حکم صادر می شود؟

من تاکنون با پرونده ای که مردی در ان رسما تقاضای طلاق کند، روبه رو نشده ام. مردان به راحتی زن خود را ترک کرده و زندگی جدیدی تشکیل می دهند.

چندهمسری در افغانستان قانونی است؟

تحت شرایطی بله. در این قبیل موارد قانون اساسی بر اساس چند فقه رایج در افغانستان تدوین شده است و رضایت همسر اول حتمی است . علاوه بر این مرد باید توانمندی مالی و فیزیکی داشته باشد و هزار مورد دیگر هم وجود دارد که عملی نیستند.

آلبوم سفر



Photo: Reza Asgari



Photo: Reza Asgari



Photo: Reza Asgari



Photo: Reza Asgari



Photo: Reza Asgari



Photo: Reza Asgari





www.irdiplomacy.ir
info@irdiplomacy.ir